جایزه جهانی آزادی بیان برای
ژیلا بنی یعقوب
صفحه: ۱۱

اولین روزنامه ایمیلی
سبز
GREEN NEWS PAPER

۴۱
۵ آبان ۱۳۸۸

نشانی برای دریافت و انتشار
ایمیل های شما
Info.sabz1388@googlemail.de
تیراژ این شماره: ۴۲۵۰۰۰

کروبی: جنبش ادامه دارد

چهار ماه ستیز کروبی با دولت کودتا

۸ روز تا ۱۳ آبان

نه شرقی ،نه غربی دولت
سبز ملی
اوباما، اوباما،
یا با اونا، یا با ما

فیلتر شکن های جدید

لنگه کفش عوامل کودتا چیان برای کروبی وموسوی

رسانه برتر جمهوری اسلامی:
خبرگزاری چاقو کشان امنیتی

چاقو کشانی به نام روزنامه نویس

تهدید خانواده جانباختگان ، دستگیری بستگان اسیران

در جستجوی معنای پرتاب "لنگه کفش" مرتضی اصلاحچی	۱۳
ماجرای یک لنگه کفش از بغداد تا تهران نفیسه زارع کهن	۱۴
نقد اخلاقی نظریه ولایت فقیه آرش نراقی	۱۴

نگاه مطبوعات جهان به سیاست اتمی جمهوری اسلامی

تسلیم در ژنو، طفره در تهران

اول نادیده ات می گیرند، بعد مسخره ات می کنند، سپس با تو مبارزه می کنند، اما در نهایت پیروزی با توست. "ماهاتما گاندی"

ناشر

موسسین:
خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری
هوشنگ اسدی / فریبرز بقائی
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرائی:
شهلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه
هزار و سیصد و هشتاد و هشت

راههای سبز

احکام سنگین حبس برای ۴۰ تن
واقعا چند نفر بعد ا زکودتا کشته شدند

صفحات: ۱۲-۲

هنر سبز

سه سروده از ناهید سرشگی

صفحه: ۱۶

جنبش سبز

هنگامه شهیدی در اعتصاب غذا

سیامک پورزند به بیمارستان منتقل شد

۸ روز به ۱۳ آبان:

اوباما، اوباما، یا با اونا، یا با ما

سی سال از اول مهر همه زورشان را بکار می بردند، التماس می کردند و مدرسه ها تعطیل می شد و تبلیغات پشت تبلیغات که ملت بروند در تظاهرات شرکت کنند . ملت همه برای مبارزه با آمریکا می رفتند شمال.

حالا که ملت می خواهد حتما در راهپیمایی سیزده آبان شرکت کنند، احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی که تا هفته قبل می گفت " حضور سبزها در مراسم سیزده آبان هیچ مشکلی ندارد،" گفرم قرم گفته است" : در مورد سیزده آبان هرکسی می خواهد تجمعی داشته باشد، مجوزهای لازم را بگیرد تا از حمایت های نیروی انتظامی برخوردار باشد ".به نظرم باید یکی باید برای این سردار توضیح بدهد که :

اول، ما می خواهیم در همان مراسمی که دولت اعلام کرده شرکت کنیم .

دوم، ما می خواهیم در همان جایی که دولت مراسم برگزار می کند، مراسم برگزار کنیم .

سوم، حالا که دولت با آمریکا و اسرائیل آشتی کرده و انرژی هسته ای را هم فعلا گذاشتند در کوزه که آب سنگین اش را روس ها بخورند، ما هم با آمریکا دوست شده ایم .

مگر اشکالی دارد که ملتی دقیقا دنباله روی دولتش باشد .یک بار هم که می خواهیم بدون چوب و چماق از دولت حمایت کنیم، از ما مجوز می خواهید؟

چهارم، اوباما که نمی تواند هم با سبزها باشد هم با دولتی ها، یا باید با اونا باشد یا با ما، ما هم همه همین شعار را با هم می دهیم، اوباما اوباما !یا با اونا یا با ما !منظور همه هم مشخص است .حالا اوباما خودش می تواند طرفش را انتخاب کند .

پنجم، سیزده آبان سالگرد گرفتن سفارت آمریکاست، ما هم که خودمان سفارت آمریکا را گرفتیم، بخاطرش هم دویست بار زندان رفتیم، حالا هم می خواهیم برویم دسته گل خودمان را آب بدهیم .

کروبی: جنبش ادامه دارد

مریم رحمانی

جمعه بعد ازظهر با حضور مهدی کروبی در نمایشگاه مطبوعات یک بار دیگر صدای اعتراض مردم به تقلب در انتخابات با سردادن شعار یا حسین میرحسین زیر گوش خبرگزاری هایی که کمی احتیاج به شنیدن حرف راست (و نه دروغ) داشتند، پیچید. خبرگزاری هایی که در حضور مردم و جلوی چشم اخ نده سرعت به جعل خبر پرداختند.

موضوع از این قرار بود که با حضور مهدی کروبی سبزها بار دیگر حضور خود را به رخ کشیدند و برادران بسیجی مستقر در نمایشگاه با باتوم الکتریکی به جان مردم افتادند.

زمانی که مهدی کروبی قصد داشت به سمت روابط عمومی مصلا برود در حالی که جمعیت شعار زنده باد کروبی سر داده بود در نزدیکی نمازخانه داخل شبستان ماموران گاز اشک آور زدند. حراست و بسیج مانع ادامه حضور کروبی شدند و علاوه بر حمله اخ ن و شکستن اخ ند را به بیرون نمایشگاه هدایت کردند.

خبرگزاری فارس به سرعت و با اخ ندهان فتوشاب تصویر لنگه کفشی را بر سر کروبی کوبید در حالی که اصلا لنگه کفشی در اخ نده. با خروج کروبی از نمایشگاه بسیجی ها جلوی خبرگزاری فارس و ایرنا مرگ بر منافق سر دادند اما این صدا در برابر صدای یاحسین میرحسین مردم زمزمه ای بیش نبود.

با آرام تر شدن جو نمایشگاه از طبقه دوم نمایشگاه پایین آمدم و سری به غرفه فارس زدم بادی گاردی جلوی در غرفه ایستاده بود اخ ن گفتم: چرا در عکس شما لنگه کفش چرا همان قسمتی که سر آقای کروبی شکسته قرار ندارد، گفت: این یکی دیگرست .گفتم اصلا لنگه کفشی در اخ نده. اصولا مگر نه اینکه تعهد ما به ملت است نه دولت چرا این همه جعل خبر؟ گفت شما هنوز ذهنت بسته است. گفتم به نظر من روزنامه نگار باید حقایق رو بگه. گفت: تو کی هستی؟ گفتم یه روزنامه نگار. گفت: نیستی، گفتم چرا؟ گفت: چون بی ادبی. گفتم من چه بی ادبی کردم جز اینکه گفتم عکس رو مونتاژ کردید؟ پسری کنارم ایستاد و به «بادی گارد» گفت کجا مردم شعار می دادند مرگ بر منافق ؟ چند نفری جمع شدند و یکی از خانم های روزنامه نگار فارس به من گفت شماها دروغ می گید!!!!!! و من از خودم می پرسم تا به حال کجای دنیا دم در غرفه های خبرگزاری ها بادی گارد می ایستد؟

به غرفه سایر روزنامه های دولتی هم سری زدم و به دفترهایی که گذاشته بودند نگاهی انداختم. پر بود از «مرگ بر دیکتاتور»، «به ما بگویید» و... در دفتر روزنامه رسالت یادداشتی به چشم می خورد :

سبزیم و پایدار
از سلاله خورشید و ماندگار
و تو ای شحنه تاریکی
کسوفی بیش نیستی
گذرا و میرا

به غرفه کیهان رفتم دفترشان را پنهان کرده بودند. گفتم پس دفترتان؟ گفت می آوریم. رفت و آورد اما بالای سرم ایستاد.

نوشتم: «همکاران گرامی، تنها تعهد ما اخ نده است نه دولت مردان که مردم ماندگارند و دولت مردان رفتنی... صبح نزدیک است»

دیدم با خودکار سبز کسی قبل از من نوشته بود: «بزودی آنچه باید اتفاق افتد روی خواهد داد.»

و در صفحه قبل مردم حرف های دل شان را در اعتراض به استبداد و دعوت از کیهانی ها برای پیوستن به خیل مردم، نوشته بودند.

به روزنامه ایران سری می زنم و نگاهی اخ ندهان می کنم، نوشته هایی از جنس قبلی ها نوشته شده. این نوشته توجه اخ ن جلب می کند: «ایران سرزمین اندیشمندان و سربداران، تو ماندگاری و ضحاک رفتنی»

دنبال روزنامه های اصلاح طلب می گردم. عکاس روزنامه جوان می گوید » :می خوای بری کوچه چپی ها ؟ پشت ایرناست..» و اخ نده می گویم: چرا اینقدر آن ها را پس و پشت پرده برده اند؟ می گوید: «فارس رو می بینی 150میلیون داده برای غرفه آرایی و»...

به «کوچه چپی ها» می رسم که با آفتاب یزد شروع می شود و با روزنامه نگار داخل غرفه به گپ و گفت درباره فارس و خبرش. او هم مثل من با فارسی ها حرف زده بود، گفتگویی بی حاصل، که اصولا این جماعت گوش هایی بس ناشنوا دارند که راه بر هر استدلالی می بندد. زوجی جوان می آیند و سراغ کیهان را می گیرند و می گویند می خواهند بروند مثل من یادگاری بنویسند در دفترشان...

به دفاتر روزنامه های اصلاح طلب نگاه می کنم، پر است از دست مریزاد و تشکر و البته مرگ بر دیکتاتور اینجا هم هست.

یکی دردفتر یک روزنامه اصلاح طلب نوشته بود: «فقط اوس محمود «!

به روزنامه اعتماد می رسم بحث بسیجی ها با یکی از روزنامه نگاران داغ داغ است درباره اشک آور زدن در این محوطه کنار نمازخانه...

به دفتر نگاهی می اندازم پر است از

موفق باشید

دوستتان داریم

به امید آزادی مطبوعات

به امید آزادی ایران

به امید آزادی روزنامه نگاران دربند.

به امید آزادی همکارانمان بهمن امویی، احمد زید آبادی، محمد قوچانی

منبع : مدرسه فمینیستی

چهار ماه ستیز کروبی با دولت کودتا

حمله حامیان محمود احمدی نژاد به مهدی کروبی در نمایشگاه مطبوعات در حالی صورت گرفت که این نامزد معترض به انتخابات 22 خرداد، دو روز قبل اعلام کرده بود "خود را برای همه چیز آماده کرده است."

کروبی که پیشتر از برگزاری دادگاه و احتمال محاکمه خود توسط دادگاه ویژه روحانیت استقبال کرده بود، همچنان بر عدم مشروعیت دولت احمدی نژاد و تقلب گسترده در انتخابات 22 خرداد تاکید دارد. شاید "شیخ اصلاحات" که سابقه سالها نمایندگی و ریاست مجلس شورای اسلامی و پست ها و مقام های مختلف در جمهوری اسلامی را دارد، هرگز گمان نمی برد روزی در جمهوری اسلامی، متهم به انجام یا تلاش برای انجام انقلاب مخملی شود و رسانه های حکومتی او را عامل بیگانه بنامند.

"روز" در این گزارش ، مواضع مهدی کروبی از روز اعلام کاندیداتوری در انتخابات تا امروز را مورد بررسی قرار داده است.

تیغ تیز انتقادات در اولین بیانیه کروبی

کروبی که 17 بهمن ماه با انتشار بیانیه ای حضور خود را در انتخابات ریاست جمهوری دهم، به طور رسمی اعلام کرد، از همان آغاز، تیغ انتقادات خود را به سوی محمود احمدی نژاد و سیاست های دولت او نشانه رفت. او در اولین بیانیه خود برای اعلام کاندیداتوری در انتخابات، با بیان اینکه "طی سالهای اخیر از اهداف انقلاب دور شده ایم" اعلام کرد: "موجب تأسف است که وضعیت جامعه و سیاست به حدي پسرفت کرده است که افراد متعهد به سرنوشت کشور چاره‌اي جز انتخاب شعار و هدف به احياي برنامه‌ريزي و احترام به خرد جمعي نداشته باشند، شعاري که هدف آن بازگشت به نظام و فرهنگ مديريتي و رفتار مبتني بر برنامه در کشور است که متاسفانه سال هاي پيش کنار گذاشته شد و آثار زيان بار آن را برهمگان شاهد هستيم".

کروبی که پس از اعلام کاندیداتوری بارها نسبت به احتمال وقوع تقلب در انتخابات هشدار داده بود، اظهارات حمایت آمیز دبیر شورای نگهبان از احمدی نژاد در آستانه انتخابات را تخلفی آشکار از جایگاه قانون اساسی دانسته و از سایر اعضای شورای نگهبان خواست در این خصوص به آیت الله جنتی هشدار دهند.

او باانتشار بیانیه هایی درباره حقوق زنان، کودکان، اقلیت های قومی و مذهبی و... به اعلام برنامه های خود پرداخت و این در حالی بود که حامیان احمدی نژاد که میرحسین موسوی را رقیب اصلی خود میدیدند، تلاش میکردند مهدی کروبی را در مقابل جبهه

اصلاحات نشان دهند. او نتشار بیانیه حقوق شهروندی خود که در آن بر توقف اعدام کودکان زیر 18 سال تاکید شده بود، چنان آنان را برآشفت که مدعی شدند بیانیه های منتشره از سوی کروبی را دیگران تنظیم می کنند و خود کروبی این بیانیه ها را نمی خواند. در همان زمان بود که روزنامه کیهان در اقدامی بی سابقه، بیانیه کروبی را "لاطائلات" خوانده و خود وی را "بی سواد" نامید.
اما با ادامه صدور بیانیه های کروبی، به خصوص بعد از انتخابات 22 خرداد، و نامه های سرگشاده او به مقامات، روزنامه کیهان و سایر حامیان افراطی احمدی نژاد این بار وارد فاز دیگری شده و بر طبل محاکمه و بازداشت این چهره اصلاح طلب کوبیدند.

سوگواره انتخابات

رئیس اسبق مجلس شورای اسلامی در اولین واکنش به اعلام نتایج انتخابات، خطاب به مردم اعلام کرد: " 22 خرداد ماه که از حیث مشارکت کم سابقه شما مردم عزیز می توانست جشنواره بزرگ جمهوریت در نظام امام خمینی (ره) باشد به سوگواری تبدیل شد و در سوگواری جز مرثیه چه می توان خواند، مرثیه ای برای اعتبار و آبروی رای فردی (افرادی) که به عشق و ایمان برای تغییر اوضاع کشور به صحنه آمدند و چنین تخلفی در امانت دیدند".
او نتایج اعلام شده برای انتخابات را مضحک و شگفت انگیز خوانده و نوشته بود: "در مقابل این مهندسی و تنظیم ناشیانه رای ملت سکوت نخواهم کرد".
کروبی از اول داستانی سخن گفته بود که شاید خود نیز گمان نمی برد به تجاوز در زندان ها و بازداشت های فله ای فعالان سیاسی و مطبوعاتی و تیراندازی مستقیم به مردم برسد.

اصرار بر ابطال انتخابات

او یک روز بعد، دومین بیانیه خود را خطاب به مردم منتشر کرده و نتیجه اعلام شده برای انتخابات را ناشی از انحراف از جمهوریت نظام ذکر کرد.
این نامزد معترض به انتخابات 22 خرداد، خطاب به مردم نوشت "درخواست ابطال این انتخابات منحرف شده را به نام صیانت از ارای شما پیگیری خواهم کرد" و بر حفظ آرامش از سوی مردم تاکید کرد.
کروبی در بیانیه بعدی خود از مردم بابت آنکه " نیروهای غیبی و ظاهری" مانع از تغییر در قوه مجریه شدند عذرخواهی کرد و گفت در هر شرایطی و با هر امکانی به مبارزه ادامه خواهد داد.
او که این بیانیه را بعد از بازداشت های فله ای و کشتار مردم معترض در خیابان ها خطاب به مردم منتشر کرده بود در ادامه با اعتراض شدید به بازداشت ها و برخوردهای صورت گرفته با مردم و مباحث مطرح شده درباره انقلاب مخملین پرسید: "این چه انقلاب مخملی است که رهبران آن دو تن از زنده ترین و با سابقه ترین یاران امامند و مورد تایید شورای نگهبان و رهبری برای حضور در انتخابات و حداقل 15 میلیون نفر (بر اساس شمارش خود طرف) به آنها رای داده اند؟"
دبیر کل حزب اعتماد ملی که بارها در نامه های مختلف به شورای نگهبان بر ابطال انتخابات تاکید کرده و عدم مشروعیت دولت احمدی نژاد را اعلام کرده بود، 20 تیر ماه در نامه ای سرگشاده به هاشمی شاهرودی، رئیس وقت قوه قضائیه اعلام کرد: "عاملان و مسولان دولتی هم فرض که با خشونت و زندان و تهدید بخواهند موقتا این موج را خاموش کنند، ولی با آتش همیشه زیرخاکستر چه خواهند کرد ؟ با این بحران مشروعیت داخلی و بین المللی خود چه خواهند کرد ؟"
او با بیان اینکه "ممکن است که کروبی را هم به دیار فانی بفرستند اما ملت زنده می ماند و حق خود را می گیرد" بار دیگر بر تصمیم خود برای پی گیری حقوق مردم تاکید کرده و افزود: "دادستانی تهران به صورت ابزاری جهت سرکوب معترضان قانونی به نتیجه انتخابات درآمده است".
کروبی از شاهرودی خواست که قبل از پایان دوره ریاستش بر قوه قضائیه، تکلیف بازداشت شدگان را روشن کند و خطاب به او هشدار داد: " اگر مشکل بازداشت شدگان اخیر در دوره حضرت عالی به طور سریع حل و فصل نشود عواقب غیرقابل پیش بینی زیادی برای ان متصور است".
این نامزد معترض به انتخابات 22 خرداد در نامه ای به رئیس سازمان صدا و سیما نیز به روند وارونه پخش اخبار اعتراضات مردمی اعتراض کرده و با اشاره به حمله به کوی دانشگاه و برخی مجتمع های مسکونی پرسید: "آیا ضرب و شتم و کشتار مردم بی گناه که غالبا توسط نیروهای لباس شخصی انجام می شود و انعکاس وارونه آن در صداوسیما جزو رسالت رسانه ملی است؟"
دبیر کل حزب اعتماد ملی سپس در نامه ای به محسنی اژه ای، وزیر وقت اطلاعات ، خطاب به او نوشت: "آیا شما به عنوان وزیر اطلاعات از سرنوشت کسانی که مفقود شده‌اند و یا در زندان‌های غیر رسمی کهریزک، شور آباد و سوله‌های اطراف شهر تهران نگهداری می‌شوند خبر دارید؟ (به نقل از منابع موثق) آیا تاکنون بر رفتارهای غیر متعارف نیروهای نظامی و شبه‌نظامی با بازداشت شدگان قبل از انکه به زندان‌ها تحویل داده شوند نظارتی شده است؟ شما به عنوان وزیر اطلاعات وجدان بیدار خود را به داوری دعوت کنید و بگویید که آیا گلوله گشودن به مردمی که اعتراضاتی ارام را برگزار کردند و بازداشت‌های گسترده انان، امری منطقی است. آیا شما از این رفتارها بی‌خبرید و یا اینکه شما هم به مانند دیگران مصلحت را بر پاسخگویی نمی‌دانید؟"

دو نامه تاریخی

مهدی کروبی، در ادامه اعتراضات خود پس از انتخابات با انتشار دو نامه تاریخی به رئیس مجلس خبرگان رهبری، واکنش شدید حامیان دولت را برانگیخت، به طوری که به طور دستجمعی خواستار محاکمه و بازداشت او شدند.
او با انتشار نامه ای خطاب به هاشمی رفسنجانی از تجاوز وحشیانه به دختران و پسران در بازداشتگاهها خبر داد و در نامه های بعدی خود ، اقدام به انتشار برخی اسناد در این رابطه کرد. این کاندیدا در نامه ای دیگر خطاب به هاشمی رفسنجانی به شدت از موضع و روند اجلاس اخیر مجلس خبرگان انتقاد کرد و خطاب به رئیس این مجلس نوشت:
"گمان اما نمی کردم که در این اجلاس، خبرگان ملت، بحران مبتلا به کشور را فتنه بخوانند و چنین به امید پاک کردن صورت مساله ، سر خویش را به زیر برف کنند. به راستی جنابعالی که قبل از انتخابات "آتشفشان" خشم مردم را روشن دیده و آن را اعلام عمومی کرده بودید چگونه تایید فرمودید که تصاعد این آتشفشان را امواج فتنه بخوانند و چنین بی دغدغه از کنار شرایط خطیر مترتب بر کشور بگذرند؟"
این چهره اصلاح طلب بعد از انتشار نامه اش به هاشمی رفسنجانی در خصوص تجاوز به زندانیان به شدت مورد حمله حامیان احمدی نژاد قرار گرفت و در اقدامی هماهنگ ائمه جماعات شهرهای مختلف نامه او را تهمت های ناروا به نظام خواندند. نامه ای که یک روز بعد از انتشار و پیش از هرگونه اقدامی برای بررسی صحت یا سقم آن، توسط رئیس مجلس تکذیب شده بود.
حمله به کروبی تا آنجا ادامه پیدا کرد که فرماندهان سپاه او را "عامل فتنه" دانستند و رسانه های دولتی وی را "پیاده نظام دشمن"خواندند که " در خانه اش به روی منافقان باز است" و خواستار "اشد مجازات" برای او شدند.

شیخ آماده محاکمه

اما شیخ اصلاحات نه تنها در مقابل این تهدید ها سکوت نکرد، بلکه با انتشار نامه هایی ضمن پاسخ به این اتهامات و توهین ها ، ضمن تاکید بر پی گیری حقوق مردم، اسناد دیگری را از جنایات رخ داده در زندان های جمهوری اسلامی افشا کرد.
رییس اسبق مجلس سپس در نامه ای به آیت الله منتظری از حمایت های این مرجع تقلید از خود قدردانی کرده واظهار امیدواری کرده است که دیگر علما و بزرگان حوزه "توان اعتراض" بیابند.
کروبی همچنین با ارسال نامه‌ای به آیت الله نوری همدانی، تنها مرجع تقلید حامی احمدی نژاد، با انتقاد شدید از موضع وی درباره رویدادهای پس از انتخابات اعلام کرد که این موضع نه در محکومیت سرکوبگران بلکه مردم است.
این نامزد معترض به انتخابات نوری همدانی را خطاب قرار داد که: " معترض به ملتی که حقوقشان پایمال شده است، مي باشيد".
در ادامه حملات به شیخ اصلاحات، "شکایت خانواده های شهدا"، "شکایت مردم تهران"، "تجمع خانواده های آشوب های اخیر مقابل منزل کروبی"، "شکایت طلاب از کروبی" و ... از جمله اخبار کذبی بودند که رسانه های حامی احمدی نژاد با انتشار آنها روند برخورد و محاکمه رئیس سابق مجلس را پی گیری کرده اند. طرحی که پیش از این اعلام شد در کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز مورد بررسی قرار گرفته است و مقامات قضایی نیز از رسیدگی به پرونده مهدی کروبی در دادگاه ویژه روحانیت خبر داده اند.
در همین ارتباط، دادستان تهران گفت که اظهارات کروبی در باره تجاوز به زندانیان در دادگاه ویژه روحانیت مورد بررسی قرار خواهد گرفت و معاون اول رییس قوه قضاییه نیز اعلام کرد که : "دادگاه ویژه روحانیت، در صورت وقوع جرم باید به اتهامات کروبي رسیدگي کند". همچنین، محسنی اژه ای، دادستان کل کشور از محاکمه کروبی خبر داده است.
فشار حامیان دولت برای محاکمهکروبی تابدانجا پیش رفت که سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه ای از مقامات ایران خواست تا از محاکمه مهدی کروبی خودداری کنند.
در مقابل مهدی کروبی اعلام کرده است که " یک قدم نیز عقب نخواهم نشست". او که روزنامه اش پس از حمله انصار حزب الله از سوی دادستانی توقیف شده، در دیدار با اعضای کانون مدافعان حقوق بشر تاکید کرده است: "خود را برای همه چیز آماده کرده ام و دفاع از حقوق افراد با گرایش‌های مختلف سیاسی و عقیدتی با مشخص بودن چارچوب فکری مشخص را وظیفه خود می دانم".
کروبی تاکید کرده است که هم اعتراضات او و هم جنبش ادامه خواهند داشت. او از همان ابتدا، پس از آنکه خبرهایی مبنی بر احتمال محاکمه اش از سوی برخی مقامات قضایی مطرح شد نیز گفته بود: "بنده به شدت از این اتفاق استقبال می کنم تا اگر در این سال ها به خاطر برخی ملاحظات مطالبی را بیان نکردم، به تفصیل و با ارائه جزئیات آن را مطرح کنم".
ناظران رویدادهای پس از انتخابات، رفتار حامیان دولت در خصوص کروبی را نشانه ای از "کلافگی" آنان در مقابله با "شیخ اصلاحات" می دانند. شیخی که نه دست از افشاگری و تهاجم بر می دارد و نه حاظر به معامله به خاطر جلوگیری از فشارهای محافظه کاران است.
اغلب ناظران معتقدند اگر هراس از واکنش به مردمی به دستگیری کروبی نبود، هم او هم موسوی در همان هفته های اول پس از انتخابات دستگیر شده بودند.
اما آیا این هراس، برای همیشه مانع از گذشتن دولتی ها از "خط قرمز" دستگیری کاندیداهای اصلاح طلب خواهد شد؟ باید منتظر ماند و دید.

منبع: فرشته قاضی – روز آن لاین

لنگه کفش عوامل کودتا چیان برای کروبی وموسوی

"جرات دارن بیان، ما کفشها رو آماده کردیم".
این جمله ای بود که بین لباس شخصی هایی که در مقابل ورودی ساختمان نمایشگاه مطبوعات در مصلای تهران جمع شده بودند رد و بدل می شد. از رفتار هماهنگشان معلوم بود که به مرکزی متصلند. جوان بودند و ریش های تتکشان و پیراهن هایی بیشتر به رنگ خاکستری یا کرم که روی شلوارشان آویزان بود، از جمله مشخصه های آنان محسوب می شد.
روز گذشته باحضور علیرضا حسینی بهشتی مشاور ارشد میرحسین موسوی، بار دیگر مصلای تهران شاهد حملات لباس شخصی ها در واکنش به حضور گسترده هواداران جنبش سبز بود. مردم حاضر در محل نمایشگاه که با شعارهای "یاحسین میرحسین" و "صل علی محمد بوی بهشتی آمد" از بهشتی استقبال کرده بودند، زمانی که با درخواست دکتر بهشتی برای شعار ندادن مواجه شدند، در سکوت دستهایشان را به نشانه پیروزی بالا بردند و تنها با فرستادن صلوات و گفتن "الله اکبر" به همراهی با وی ادامه دادند.
استقبال گسترده مردم از علیرضا بهشتی، واکنش تعدادی از نیروهای لباس شخصی و نیز اعضای برخی از رسانه های دولتی حاضر در نمایشگاه را بر انگیخت. عوامل لباس شخصی، که به گفته شاهدان از ابتدای افتتاح این دوره از نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری ها به طور روزانه در محل مصلای تهران حضور دارند و با حضور چهره های سیاسی منتقد فعال شده و به مردم و شخصیت های سیاسی حمله می کنند، در هنگام حضور علیرضا بهشتی نیز با ایجاد درگیری فیزیکی به توهین به فرزند آیت الله بهشتی، میرحسین موسوی و مهدی کروبی پرداختند.
مهاجمان، در حالی که بهشتی در میان سکوت و استقبال علاقه مندانش در حال بازدید از غرفه های نمایشگاه بود به او و همراهانش حمله ور شدند که در مقابل، مردم با ایجاد حلقه به دور مشاور ارشد میرحسین موسوی از وی محافظت کردند. مهاجمان با سردادن شعارهایی مانند" مرگ بر منافق" ، "مرگ بر جیره خوار آمریکا" و "مرگ بر سید آمریکایی" سعی در ایجاد واکنش در همراهان دکتر بهشتی و ایجاد درگیری فیزیکی با مردم را داشتند، اما زمانی که با صبر و سکوت مردم و مشاور ارشد میرحسین موسوی مواجه شدند، به غرفه های اطراف در قسمت شمالی شبستان حمله کرده و به ضرب و شتم مردم در قسمت های مختلف نمایشگاه پرداختند. لباس شخصی ها همچنین به غرفه های رسانه های منتقد دولت نظیر خبرگزاری ایلنا یا روزنامه اعتماد آسیب رساندند و حتی غرفه روزنامه جمهوری اسلامی (از نشریات اصولگرای منتقد دولت احمدی نژاد) را تخریب کردند.
درهمین حال نیز علیرضا بهشتی برای جلوگیری از ایجاد درگیری و صدمه دیدن مردم با دخالت نیروهای حراست از محل نمایشگاه خارج شد که مجددادر بیرون از فضای نمایشگاه نیز تعدادی از عوامل لباس شخصی به وی و نزدیکانش حمله کردند. این درحالی بود که پس از خروج مشاور میرحسین موسوی هم لباس شخصی های حاضر در نمایشگاه با همراهی تعدادی از اعضای رسانه های دولتی به سردادن شعارهایی مانند "ماشالله، حزب الله " و درگیری فیزیکی با مردم ادامه دادند.

درگیری های قبل

بر اساس خبری غیر رسمی که جمعه همزمان با ورود مهدی کروبی به نمایشگاه مطبوعات منتشر شد، شنبه قرار بود نمایشگاه مطبوعات میزبان میر حسین موسوی باشد و یکشنبه نیز سید محمد خاتمی باید به نمایشگاه می آمد.
با این خبر صدها نفر از مردم عادی و روزنامه نگاران و خبرنگاران در نمایشگاه جمع شده بودند تا با شعارهایشان از رهبران جنبش سبز حمایت کنند.
اما در داخل نمایشگاه، رسانه های دولتی بیکار نبودند. روزنامه های کیهان، وطن امروز، ایران، خبرگزاری فارس و غیره با نصب عکس ها و تصاویری از انتخابات به نحوی خشونت جنبش سبز علیه به اصطلاح "مردم عادی" را به رخ می کشیدند. خبرگزاری برنا وابسته به سازمان ملی جوانان و رسانه ای که پس از ایرنا و فارس بیش از همه اقدام به تخریب چهره های سیاسی اصلاح طلب کرده بود یک دستگاه اس سی دی بزرگ در مقابل غرفه دو نبش خود نصب کرده و مناظره های تلویزیونی کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری را پخش می کرد، اما کسی از حامیان احمدی نژاد به آن توجهی نمی کرد. وقتی مناظره موسوی و احمدی نژاد پخش می شد، نوبت که میر حسین رسید و گفت: "مردم من این را تغییر می دهم..." همه کف زدند.
ماموران لباس شخصی و با یونیفرم نیروی انتظامی در داخل نمایشگاه قدم می زدند و همه را زیر نظر داشتند. در ایستگاه مترو شهید بهشتی نیز میزان حساسیت ماموران انتظامی بسیار بیشتر از معمول بود. در حالی که در روزهای عادی در هیچ ایستگاه مترو ماموری حضور ندارد.
در داخل محوطه مصلی و بیرون از سالن شبستان که محل غرفه ها بود چندین دستگاه خودروی لندکروزر استیشن سفید رنگ وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی پارک بودند و شیشه های دودی آن اجازه نمی داد که مشخص شود داخل آنها کسی نشسته است یا خیر. اما صدها نفر مامور ضد شوروش نیروی انتظامی در خیابان های اطراف شبستان (در داخل محوطه مصلی) مستقر شده بودند. آنها با خود باتوم، گاز اشک آور، سپر و کلاه کاسکت داشتند تا در زمان درگیری بتوانند دستورات فرماندهان را اجرا کنند. تعداد آنها چندین برابر بازدید کنندگان نمایشگاه مطبوعات بود، تا جایی که می شد مصلای تهران را به یک پادگان پلیس تشبیه کرد.
ساعت حدود 16:20 بود که به یک باره شایع شد میر حسین موسوی به نمایشگاه آمده است. صدها نفر از حامیان و مخالفانش به بیرون و مقابل شبستان هجوم آوردند تا عده ای از او حمایت کنند و عده کمتری نیز به شعار دادن علیه او بپردازند.
اما کسی که آمد میر حسین نبود. دقایقی دیگر دوباره خبری شایع شد. بسیجیانی که آنجا بودند برای هم می گفتند: "بابا میر حسین آمریکایی اومده. حاجی از دم در زنگ زد که بچه دها آماده باشن. اومده".
اما باز هم میر حسین نیامد. ایستادن و انتظار کشیدن بیشتر از نیم ساعت بطول انجامید تا اینکه آنان که منتظر بودند ناامید شدند.
در این هنگام اس ام اس ها خبر از آمدن سید محمد خاتمی داد. اس ام اس ها حاکی از آن بودند که خبرگزاری ایلنا خبر از حضور سید محمد خاتمی در نمایشگاه داده است.
اما خاتمی هم نیامد و خبرگزاری ایلنا این خبر را از خروجی خود حذف کرد. اما در این هنگام خبر رسید که میر حسین موسوی ساعت حدود 16 عصر برای حضور در نمایشگاه قصد عبور از در خیابان شهید بهشتی مصلی را داشته که با ممانعت ماموران امنیتی مواجه شده است.
افرادی نیز خبر از دیدن میر حسین در هنگام ممانعت ماموران از حضور او می دادند و این در حالی بود که حامیان وی در داخل نمایشگاه سرود "یار دبستانی من" می خواندند.
مجموعه این تحولات پس از آن رخ می دادند که در پی حضور روز جمعه مهدی کروبی در نمایشگاه مطبوعات و حمله فیزیکی به این رهبر اصلاح طلب، رسانه‌های حامی دولت احمدی‌نژاد موج جدیدی از حملات را علیه او آغاز کرده بودند.
در یکی از جدیدترین حملات از این نوع، حمید رسایی نماینده‌ای که پیش از این سابقه توهین به آیت الله صانعی را در حمایت از احمدی‌نژاد در کارنامه دارد در گفتگویی با "ایرنا" گفت: "کروبی و حامیان وی در جاده براندازان قرار گرفته‌اند". رسایی که طراح شکایت صد نماینده از میرحسین موسوی نیز هست، همچنین خواستار برخورد قضایی با کروبی شد و گفت: "نظام نباید بیش از این با اینها مماشات بکند چرا که بی فایده است".
همچنین سبحانی‌نیا، نایب رییس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز با انتقاد از کروبی به همین خبرگزاری گفت: "کروبی با اقدامتش تنها دشمنان را دل شاد می کند".
در اظهار نظر دیگری یک عضو دیگر کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز گفت: "اگر مسئولان با کروبی برخورد می کردند کار او به اینجا نمی کشید". محمود احمدی بیغش با بیان اینکه "ما باید کمی از دستگاه هایی که باید با کروبی برخورد می کردند ولی در مقابل آن قصور کردند گله کنیم" افزود: "اگر دستگاه های متولی اجرا شدن عدالت اسلامی به دنبال آنان نرود همین مسائل وجود دارد". وی همچنین اظهار داشت: "کروبی و دوستانش دچار توهم هستند و فکر می کنند حکومت از آنان واهمه دارد در حالی که آنان توهم دارند و حکومت در مقابل آنان صبر کرده است".

خصومت حامیان دولت با علیرضا بهشتی

حمله عوامل لباس شخصی و اعضای رسانه های دولتی و حامی محمود احمدی نژاد به علیرضا بهشتی درحالی انجام شد که وی در مقام مشاور ارشد میرحسین موسوی در رقابت های انتخاباتی ریاست جمهوری، از مدت ها پیش در معرض حملات حامیان دولت قرار داشته است . علیرضا حسینی بهشتی ، همچنین پس از کودتای انتخاباتی از سوی میرحسین موسوی به عنوان نماینده وی در کمیته پیگیری جانباختگان و آسیب دیدگان خشونت های پس از انتخابات را نیز بر عهده گرفت که در همین رابطه و پس از افشاگری های این کمیته در رابطه با تعداد واقعی جانباختگان حوادث پس از انتخابات و تعداد افراد بازداشت شده در این حوادث، در 17 شهریور ماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت و پس از 5 روز بازداشت و بازجویی با سپردن وثیقه آزاد شد.
پس از بازداشت بهشتی یک و مرتضی الویری نماینده مهدی کروبی در کمیته جانباختگان و آسیب دیدگان پس از انتخابات ، میرحسین موسوی باصدور بیانیه ای درباره دستگیری این دو چهره اصلاح طلب گفت:" آنان به بند کشیده شده اند در حالی که جرمی جز پیروی از راه انقلاب و دفاع از اجرای عدالت در مورد خون‌های به‌ناحق ریخته شده و کمك به خانواده بی گناهانی که پس از انتخابات به زندان افتاده اند ندارند. آنان اینک در زندان به سر می‌برند در حالی که عاملان فجایع اخیر آزادند و مسئولان ادعا می‌کنند حتما به جناياتي كه رخ داده است رسیدگی خواهند کرد."
علیرضا بهشتی همچنین در کنار سید محمد خاتمی و میرحسین موسوی پس از اتهام زنی های فراوان روزنامه کیهان به آنها، یکی از شاکیان این روزنامه است که بنا بر این شکایت قاضی پرونده در حکم بدوی دستور به توقیف موقت روزنامه کیهان داد. اما اجرای این حکم با اعمال فشار به دستگاه قضایی تاکنون معلق مانده است.

منبع: آرتین صفاری - جلال کیهان منش – روز آن لاین

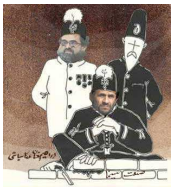

رسانه برتر جمهوری اسلامی:
خبرگزاری چاقو کشان امنیتی

به گفته رئیس مرکز رسانه‌هاي ديجيتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، خبرگزاری فارس، در سومین نمایشگاه و جشنواره بين‌المللي رسانه‌هاي ديجيتال به عنوان رسانه "برتر" انتخاب شد.

راههای سبز

این خبرگزاری نیمه رسمی که در بهمن ماه سال 1381 شروع به کار کرد، حامی محمود احمدی نژاد و از نزدیک ترین رسانه ها به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و برخی حتی از آن به عنوان بازوی رسانه ای سپاه یاد می کنند. انتخاب خبرگزاری فارس به عنوان رسانه برتر که به نظر می رسد در مقابل حمایت های افراطی این خبرگزاری از محمود احمدی نژاد صورت گرفته، باعث شد "روز" در این گزارش به بررسی عملکرد و شیوه پوشش اخبار و تعامل این رسانه با سایر شخصیت های سیاسی و حوادث اخیر کشور و همچنین جو حاکم در درون این خبرگزاری بپردازد.

کارمندان سپاه و بسیج، عکاس و خبرنگار شدند

بهمن ماه سال 81 خبرگزاری فارس با جذب برخی نیروهای رسانه ها و روزنامه های محافظه کار آغاز به کار کرد.
بودجه فارس، از طريق كمك هاي فرهنگي سپاه پاسداران تامين مي شود و بسياري از مديران آن، داراي سابقه عضويت در اين دستگاه نظامي را دارند. با توجه به محرمانه تلقي شدن جزييات بودجه دستگاه هاي نظامي در ايران، تا مدت ها وابستگي فارس به بودجه سپاه، خبري غيررسمي تلقي مي شد، اما در ژوئن سال 2008 سايت "تابناک" (وابسته به محسن رضايي فرمانده اسبق سپاه) در گزارشي رسما اين خبر را مورد تاييد قرار داد.
هرچند در ابتدای شروع به فعالیت این خبرگزاری برخی نیروهای مستقل نیز به کار گرفته شدند، اما مرور زمان نشان داد که این نیروها فقط برای بهره برداری و راه اندازی این خبرگزاری مورد استفاده قرار گرفته و به مرور حذف شدند.
اوج حذف نیرو در این خبرگزاری در آستانه انتخابات 22 خرداد شکل گرفت. پیش از انتخابات 22 خرداد، حمیدرضا مقدم، مدیر عامل خبرگزاری فارس از راه اندازی باشگاه آموزشی روزنامه نگاری این خبرگزاری با عنوان "توانا" ، در جهت "جذب و آموزش نیروهای جوان و پرتلاش در عرصه خبررسانی" خبر داد. اما نیروهای جوانی که مقدم از آنها یاد میکرد، از میان بسیج و سپاه پاسداران و وابستگان آنها انتخاب شدند و بعد از طی دوره های یک یا دو ماهه به جای نیروهای اصلی این خبرگزاری به کار گرفته شدند.
یکی از خبرنگارانی که به مدت 4 سال در خبرگزاری فارس مشغول به کار بوده در این زمنیه به "روز" توضیحاتی داده است.
وی با اشاره به اخراج 60 تا 70 تن از خبرنگاران و عکاسان فارس در آستانه انتخابات 22 خرداد گفت: بعد از راه اندازی باشگاه توانا، نیروهای بسیج را با آموزش های کوتاه مدت در این باشگاه، جایگزین نیروهایی کردند که چندین سال در این خبرگزاری کار کرده بودند و با وارد کردن آنها به کادر خبرگزاری، بچه ها را یا اخراج کردند یا در شرایطی قرار دادند که ناچار شدند استعفا کنند".
به گفته این مصاحبه شونده: "تا قبل از انتخابات 22 خرداد، بیش از 90 درصد بخش سیاسی خبرگزاری فارس تغییر کردند و نیروهای بسیج و وابستگان به سپاه ، جایگزین آنها شدند".
این عضو تحریریه خبرگزاری فارس افزود: "قبل از انتخابات نامه ای از طرف سردبیردر حمایت از احمدی نژاد آورده و از همه خواستند امضا بکنند تعدادی از بچه ها امضا کردند اما برخی نیز همچون خود من امضا نکردیم و در مقابل ظرف چند روز همه کسانی را که امضا نکرده بودند را متهم به طرفداری از میرحسین موسوی کرده و اخراج کردند و کل گروه اجتماعی فارس که نامه را امضا نکرده بودند یکجا اخراج شدند".
وی با بیان اینکه روزنامه نگاران و خبرنگاران مستقل جایی در خبرگزاری فارس ندارند تصریح کرد: "پیش از قضایای انتخابات اخیر، برخی از نیروهای حرفه ای در این خبرگزاری مشغول به کار بودند هر چند که اجازه کار حرفه ای داده نمی شد و اکثرا عکس ها به صورت مونتاژ شده و خبرها به صورت نادرست و در راستای اهداف خاصی منتشر می شد اما همزمان با انتخابات این نیروهای حرفه ای نیز اخراج شدند و نیروهای سپاه و بسیج ، عکاس و خبرنگار شدند".

خبرهایی که مدام تکذیب می شوند

خبرگزاری فارس که در شروع کار، خود را به عنوان "نخستین خبرگزاری مستقل ایرانی" معرفی کرده است، از همان آغاز گرایشات فکری خود را در نحوه پوشش خبری رویدادها و وقایع کشور به نمایش گذاشت و به رسانه ای نزدیک به سپاه شهرت یافت.
خبرگزاری مستقلی که که حجم تکذیب اخبار منتشره اش نشان از میزان استقلال آن دارد.
این خبرگزاری از زمان اعلام کاندیداتوری مهدی کروبی و میرحسین موسوی برای انتخابات ریاست جمهوری دهم، در قالب مصاحبه های تعیین شده و اخباری کذب ، اقدام به تخریب این دو چهره اصلاح طلب کرد. فارس طی چند ماهه اخیر در توهین به شخصیت های سیاسی کشور و چهره های اصلاح طلب و انتشار اخبار کذب تا بدانجا پیش رفت که مجمع تشخیص مصلحت نظام، دکتر قربان بهزادیان نژاد (رئیس ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی) ، علیرضا بهشتی، فخرالسادات محتشمی پور، مهدی هاشمی و تعداد دیگری از شخصیت های سیاسی ناچار شدند علیه این خبرگزاری شکایت کنند.
در نمونه ای از این اخبار کذب، خبری درباره دستگیری فرزند مهدی کروبی منتشر کرده و مدعی شد "به‌دنبال شكايت مسئولان شركت ايرانسل از شركت پرشين‌تاگام، دادسراي عمومي و انقلاب تهران حكم جلب مديران اين شركت را صادر كرد". منظور فارس از شرکت پرشین تاگام، پرشین تله کام بود که این خبرگزاری حتی درباره اسم این شرکت نیز تحقیقات درستی به عمل نیاورده بود. این خبر بلافاصله از سوی شرکت ایرانسل و دفتر مهدی کروبی تکذیب شد.

انتخابات 22 خرداد و کودتای رنگی

خبرگزاری فارس که پیش از انتخابات بارها بر پیروزی محمود احمدی نژاد تاکید کرده بود، در 12 خرداد یعنی ده روز مانده به انتخابات پیش بینی کرد با پیروزی احمدی نژاد، تکلیف انتخابات ریاست جمهوري دهم در دور اول مشخص خواهد شد.
فارس در 26 خرداد، انتخابات 22 خرداد را "یک تیرو سه نشان" و "نه یک انتخابات که انفجار اطلاعات" نامید و از آن به عنوان "شگفت انگیز ترین انتخابات ریاست جمهوری در دنیا" یاد کرد. این خبرگزاری سپس در مطالبی تحت عنوان "تحلیل انتخابات 22 خرداد"، با رد تقلب گسترده در انتخابات، میرحسین موسوی را متهم به خرید 5 میلیون رای مردمی کرد و مدعی شد: "در حالي كه چند ساعتي ازبرگزاري انتخابات نمي گذشت و مردم درحال راي دادن بودند با اعلام پيروزي ميرحسين موسوي در انتخابات ؛ پروژه انقلاب مخملي را كليد زدند".
فارس بدون توجه به اعتراضات مردمی به کودتای انتخاباتی و کشتار مردم توسط نظامیان، معترضان به انتخابات را متهم به "کشتار مردم بیگناه؛ حمله مسلحانه به مراکزنظامي و پايگاههاي بسيج؛ آتش زدن مسجد وكشته و زخمي كردن نمازگزاران؛ تروربرنامه ريزي شده مردم عادي در كوچه و خيابان وبلافاصله فيلمبرداري و ارسال آن از طريق اينترنت به سراسر جهان" کرد و مدعی شد که "كودتاي مخملي ايران در انديشكده آمريكايي بروكينگز طراحي شده بود".
خبرگزاری فارس آنگاه با متهم کردن معترضان به انقلاب مخملین، خواستار محاکمه و پیگرد قضایی میرحسین موسوی، مهدی کروبی و سید محمد خاتمی شد و مدعی شد که " سبزهای ایران از فیلم -دیکتاتور را سرنگون کن- الهام گرفته اند". این خبرگزاری همچنین جنبش سبز مردم ایران را با عنوان "فتنه" ذکر کرده و آن را به کپی برداری از "روش های فرقه رجوی" متهم نمود.
"اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل، انجمن های اسلامی دانشگاههای کشور، مردم تهران، برخی نمایندگان فراکسیون دولت مجلس، اعضای بسیج دانشجویی، فرماندهان سپاه، د انشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق، خانواده های شهدا و جانبازان و ..." کسانی بودند که فارس به نقل از آنها خواهان محاکمه و برخورد با موسوی و کروبی شد. این رسانه، محاکمه نخست وزیر زمان جنگ را "خواست مردم ايران" ذكر كرد و "عدم برخورد جدي" با رئیس سابق مجلس را "باعث دلسردی دلسوزان انقلاب از دستگاه قضائي" عنوان کرد.

ندا آقا سلطان و سناریوی فارس

در حالی که تاکنون به شکایت خانواده ندا آقا سلطان جهت معرفی قاتل این شهید جنبش سبز رسیدگی نشده است ، خبرگزاری فارس همزمان با روزنامه جوان که این روزنامه نیز متعلق به سپاه است، در خبری شگفت انگیز مدعی شد که "خبرنگار بي‌بي‌سي، مستقر در تهران كه اخيراً از ايران اخراج شده است، در اقدامي غيرانساني با اجير كردن يكي از اراذل و اوباش و دادن مبلغي به وي، خواستار كشتن يك نفر براي تهيه فيلم مستند خود شد".
فارس در ابتدا تلاش میکرد منکر کشته شدن ندا آقا سلطان شود به طوریکه در خبری اعلام کرد: " پس از اعلام خبر كشته شدن خانم ندا آقاسلطان در تهران فردي به همين نام در يونان اعلام موجوديت كرده و در تماسي با سفارت ايران در يونان و وزارت خارجه اعلام كرده كه زنده است!" اما تاکنون خبری از این خانم مورد ادعای فارس نشده است.
فارس در خبری دیگر که به نقل از روزنامه وطن امروز منتشر کرد ادعا کرد: "بررسي به عمل آمده ازگلوله‌هاي خارج شده از بدن برخي كشته شدگان حوادث اخير نشان مي‌دهد فشنگ‌هاي به كار رفته متعلق به هيچ يك از سلاح‌هاي سازماني ارگان‌هاي نظامي و امنيتي كشور نبوده و از خارج از مرزهاي كشور به تهران فرستاده شده است".
این خبرگزاری سپس به نقل از منابع آگاه مدعی شد که "در هفته‌هاي اخير، نيروهاي امنيتي و انتظامي كشور دهها قبضه اسلحه قاچاق از نوع اسلحه‌اي كه به سمت ندا صالحي شليك شده، از قاچاقچيان سلاح و در برخي منازل تيمي گروهك‌ها كشف كرده‌اند كه اين محموله‌ها عمدتاً از مرزهاي غربي وارد كشور شده بودند".
فارس کشته شدن ندا آقا سلطان را حادثه ای از پیش طراحی شده دانسته و به اتفاق سایر ارگان های دولت کودتا تلاش کرد القا کند که شهادت ندا، یک دسیسه و از سوی سازمان مجاهدین خلق بوده است.

سرعت اطلاع رسانی فارس!

"سرعت در اطلاع رسانی" از سوی عيسي زارع پور، رئيس مركز رسانه‌هاي ديجيتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، به عنوان یکی از دلایل انتخاب خبرگزاری فارس به عنوان رسانه برتر ذکر شده است.
به عقیده کارشناسان نکته قابل تاملی که در ارتباط با این ادعا وجود دارد ارتباط خاص این خبرگزاری با نهادهای امنیتی، سپاه و دادستانی است؛ به طوریکه در دادگاههای نمایشی رسیدگی به اتهامات معترضان به انتخابات، کیفرخواست همزمان با قرائت نماینده دادستان در دادگاه و حتی در مواردی، دقایقی پیش از قرائت بر خروجی خبرگزاری فارس قرار گرفته است. این مساله درباره دفاعیات و نوع سخنان متهمان حاضر در دادگاه نیز صادق بوده است. چنانچه اظهارات متهمان در دادگاه که غالبا به صورت دیکته شده و از روی کاغذ خوانده شده قبل از عنوان شدن در دادگاه در خروجی خبرگزاری فارس انتشار یافته است.

از سوی دیگر نکته قابل تامل دیگری که در این زمنیه وجود دارد این است که زندانیانی چون امیر حسین مهدوی و مازیار بهاری که هر دو روزنامه نگاران مطرحی بودند پس از نگهداری در شرایط ایزوله زندان و شکنجه های طاقت فرسا، به محل خبرگزاری فارس برده می شدند تا مطالب دیکته شده به آنها را در قالب کنفرانس خبری بازگو کنند.
یکی از خبرنگاران فارس که به تازگی از این خبرگزاری اخراج شده به "روز" می گوید: "در دادگاهها و همچنین کنفرانس های این چنینی ، برخی نیروهای خاص که وابستگی به سپاه و بسیج داشتند به عنوان خبرنگار و عکاس فرستاده می شدند و در مقابل اعتراض ما گفته می شد که به شما اعتماد نداریم".

چاقو کشانی به نام روزنامه نویس

"حسن روزی‌طلب" دبیر سرویس سیاسی روزنامه دولتی ایران عامل اصلی حمله به مهدی کروبی

حمله هماهنگ و از قبل سازماندهی شده به مهدی کروبی در نمایشگاه مطبوعات که از سوی عده‌ای منتسب به جریانی خاص هدایت و انجام شد؛ حکایت قدیمی مرحوم آیت الله حائری (موسس حوزه علمیه قم) و آن شخص مخبر است که برای ایشان، خبر دزدی یک روحانی را آورده بود.
مرحوم آیت الله حائری در واکنش به خبر دزدی آن روحانی فرموده بود: "نگویید یک روحانی دزدی کرده است، بگویید دزدی در لباس روحانی در آمده است و سرقت کرده است."
حال مثل حمله عده‌ای خبرنگارنما و فعالان به اصطلاح رسانه‌ای به مهدی کروبی نیز مشمول این حکایت تاریخی است و ظاهرا در برخی رسانه های یک جریان خاص عده ای چاقو کش و چماق به دست به لباس خبرنگار و فعال رسانه ای در آمده اند تا در مواقعی که لازم باشد نقاب از چهره برانداذند و قلم بر زمین بگذارند و سلاح اصلی شان را به دست گیرند.
تصاویر منتشره از حمله این افراد به مهدی کروبی در جریان بازدید از نمایشگاه مطبوعات آن قدر آشکار و غیر قابل کتمان است که کسی نمی‌تواند با فرافکنی موضوع از زیر بار این حمله وحشیانه در محیطی فرهنگی شانه خالی کند و تاسف بار تر اینکه جامعه مطبوعاتی و رسانه ای امروز ما ، باید حضور این چماق به دستان سابق و خبرنگاران امروز را در کنار خود تحمل کند!
زمانی که " مسعود ده نمکی " فیلم سازی را شروع کرد و وارد عرصه فرهنگ شد عده زیادی ابراز خوشحالی کردند که بالاخره زمانی فرارسیده است که برخی افراد با ابزارهای ارعاب و تهدید فیزیکی وداع کرده و پای در عرصه گفتگو و فرهنگ بگذارند ؛ اما با حادثه دیروز باید بار دیگر نگران این شد که ظاهرا برخی " سُر خورده ها به حوزه فرهنگ " نتوانسته و یا نمی توانند فرهنگی بمانند و هر از گاهی قلم را زمین گذاشته و یاد چاقو و چماق سابقشان می افتند!
ظاهرا این دوستان به اصطلاح مطبوعاتی بر مبنای این شعر معروف مولانا که می گوید:
هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روز گار وصل خویش
نمی توانند برای همیشه لباس " فرهنگ " بر تن و ابزار " قلم " در دست داشته باشند و هر از گاهی " فیلشان یاد هندوستان کرده " و دستی به آلات قتاله مالوف و سابقشان می کشند تا خون بنده خدایی را بر زمین بریزند! کما این که دیروز به قصد کشت ، به کروبی حمله کردند به طوری که محافظان کروبی که از نیروهای رسمی نظامی کشورند ، ناگزیر شدند برای حفظ جان او تیر هوایی شلیک کنند و مهاجمان را به عقب برانند.
ای کاش این افراد به پاس حرمت قلم یک شغل را داشته باشند؛ یا برای همیشه با چاقو و چماق وداع کنند و یا اینکه به کار قبلی شان باز گردند ؛ چرا که نمی توان در آن واحد هم " شعبان بی مخ " بود و هم " صور اسرافیل و دهخدا و ... ".
همان گونه که سیاست عرصه جولان دادن نظامیان نیست (چرا که در آن واحد نمی توان در دستی اسلحه داشت و با دستی دیگر فعالیت حزبی کرد) به طریق اولی عرصه رسانه و فرهنگ نیز جایگاه جولان دادن قمه کش ها و قداره بندانی که به لباس خبرنگار درآمده اند نیست . چرا که کسانی که می خواهند این دو شغل را همزمان داشته باشند از عهده انجام هیچ یک از ایندو به نحو مطلوب بر نمی آیند .
مثل این افراد مثل شعر معروف " یک دست جام باده و یک دست زلف یار " نیست ، بلکه عملکرد منافقانه این عده مثل این شعر معروف است که می گوید :
به مارماهی مانی نه این تمام و نه آن / منافقی چه کنی مار باش یا ماهی

نقش حراست وزارت ارشاد

مهدی کروبی روزگذشته به صورت سرزده به نمایشگاه مطبوعات رفت که در ابتدای حضور، مورد استقبال بازدیدکنندگان قرار گرفت.آنان با شعارهایی همچون «مرگ بر ... » و« کروبی کروبی حمایتت می کنیم» او را همراهی کردند و برابر برخی غرفه ها به شعارهای انتقادی خود شدت بخشیدند تا اعتراض خود را نسبت به سیاست های ضدمردمی آنان نشان دهند. اما آنچه در این میان سوال برانگیز بود، آن بود که چگونه این استقبال پرشور تبدیل به برخورد زشت و خشن تعدادی افراد سازمان یافته در پایان بازدید مهدی کروبی از نمایشگاه شد؟
حسین کروبی، فرزند مهدی کروبی درگفت وگوبا «تغییر» پرده از اقدام غیراخلاقی حراست نمایشگاه برداشت و ماجرا را افشا کرد. اوگفت: « در ابتدای حضور آقای کروبی در نمایشگاه، افراد معلوم الحال شوکه شده بودند و با توجه به سرزده بودن این بازدید و عدم اطلاع رسانی خبری نمی توانستند این استقبال پرشکوه را تحمل کنند. لذا در ابتدا برخی غرفه های وابسته به آنان شروع به پخش آهنگ ها وموسیقی های بسیار تند غربی کردند تا بتوانند بر اعصاب خود مسلط شوند. آنان فقط به این اقدام بسنده نکردند، بلکه با برنامه ای هماهنگ شده با حراست نمایشگاه هجمه بی ادبانه ای را طراحی کردند.»
او در ادامه در تشریح اقدام زشت وغیر اخلاقی حراست وزارت ارشاد گفت:« در پایان بازدید آقای کروبی، حراست پیشنهاد می کند که برای کنترل نظم نمایشگاه، آقای کروبی از طبقه دوم خارج شود. سپس با قبول این پیشنهاد از سوی محافظان ایشان، اجازه همراهی مردم را نمی دهند وتنها آقای کروبی ومحافظان وارد طبقه دوم می شوند. در این حین دیده می شود که ۱۰، ۲۰ نفر از افراد سازمان یافته گرد آنان را می گیرند. »
حسن کروبی اقدامات و اعمال انجام شده این افراد را اینگونه باز گومی کند: « آنان با وجود محافظان اقدام به پرتاب اشغال و کاغذهای مچاله شده به سوی آقای کروبی می کنند که پیشانی ایشان آسیب سطحی می بیند. همچنین خطاب به ایشان فحش هایی می دهند که بسیار زننده و مستوجب حد شرعی بود. آنان فقط به این اعمال بسنده نکرده، بلکه آب دهان هم می اندازند. سپس با حمله به خودرو حامل آقای کروبی شیشه آن را می شکنند و به نوعی سنگ تمام می گذارند که بسیار متاثر از رفتار رهبران این جریان است. »
کروبی ضمن تکذیب پرتاب کفش به سوی مهدی کروبی، گفت: « البته اقدامات آنان که همچون رفتار اراذل واوباش بود، کمتر از پرتاب کفش نبود. اما آنان با مونتاژ سعی کردن به جای فحش های شنیع این اقدام را بنشانند تا لنگه کفش را همچون اقدام آن خبرنگار عراقی به سمبل تبدیل کنند و از سوی دیگر دل یکی از مسولین سابق که در دانشگاه تهران از او اینچنین استقبال شده بود را خوش کنند که التیامی بر عصابانیت او شود.»
حسین کروبی این اقدامات و فحش های شنیع را بسیار شبیه به رفتار کفار در صدر اسلام دانست که از پرتاب سیرابی یا توهین های زشت استفاده می کردند و همچنین نسبت به رواج هنجارهای عصر جاهلیت هشدار داد.
او در پاسخ به سوال سایت «تغییر» که دلیل این برخورد شنیع با آقای کروبی چیست؟، گفت:« گویی نامه اخیر آقای کروبی در تشریح وظایف مجلس خبرگان و هراس آنان در پاسخگویی رسانه ای به آن، تنها راهکار پیش روی آنان را سبک و روش اراذل قرار داده است. آنان دیگر قادر به مواجهه کلامی نیستند و فقط می توانند فحش دهند و ضرب و شتم کنند که این مسئله نشان دهنده روزهای پایانی عمر این جریان سیاسی است. آنان به شدت از حضور آقای کروبی میان مردم می ترسند و با این اقدامات می خواهند جلوی حضور ایشان را در مجامع عمومی بگیرند.
حسین کروبی در پایان گفت: آقای کروبی همچنان به اعلام مواضع خود ادامه می‌دهند و این مسائل کوچکترین تاثیری نخواهد گذاشت، بلکه حضور ایشان میان مردم و در مجامع عمومی افزایش خواهد یافت که این اقدام در اطلاعیه های آتی به اطلاع مردم خواهد رسید.
ادوارنیوز: بنا به گزارش شاهدان عینی در نمایشگاه مطبوعات روز گذشته و در جریان حمله به مهدی کروبی که منجر به زخمی شدن سر وی شد، برخی عناصر بدسابقه شاغل در رسانه‌های کوتاچیان نیز حاضر بوده‌اند.
بر اساس عکسی که در ذیل این خبر مشاهده می‌کنید، "حسن روزی طلب" دبیر سرویس سیاسی روزنامه دولتی ایران از جمله عاملان اصلی حمله به مهدی کروبی بوده است.
حسن روزی طلب فعالیت رسانهای خود را از پایگاه خبری "شریف نیوز" آغاز کرده و سپس مدتی در "رجانیوز" فعالیت داشته است و اکنون دبیر سرویس سیاسی روزنامه دولتی ایران است.
منبع: عصر ایران

تهدید خانواده جانباختگان ، دستگیری بستگان اسیران

با گذشت بیش از 4 ماه از کودتای انتخاباتی 22 خرداد، تاکنون نه تنها به شکایات خانواده های جانباختگان وقایع بعد از انتخابات رسیدگی نشده، بلکه اکثر این خانواده ها همچنان تحت فشار مقام های نظامی و امنیتی کشور از اعلام هویت عزیز از دست رفته خود واهمه دارند.
خانوادهاسیران هم بشدت تحت فشارند و ا رهفتهگذشته روند دستگیری آنها آغاز شده است.
خانواده جانباختگان : تهدید

تاکنون هویت 72 تن از جانباختگان اعلام شده و برخی از این خانواده ها با شکایت به دستگاه قضایی، خواهان روشن شدن نحوه شهادت و قاتل فرزندانشان شده اند. "روز" در گفتگو با این خانواده ها به بررسی آخرین وضعیت پرونده های شهدایی پرداخته که یا در زیر فجیع ترین شکنجه ها در بازداشتگاههای جمهوری اسلامی به شهادت رسیده اند و یا در راهپیمایی مسالمت آمیز مردمی در تهران، اماج گلوله های نظامیان قرار گرفته اند.

مادر ندا شکایت کرد

ندا آقا سلطان، یکی از دهها فردی بود که در تظاهرات مسالمت آمیز مردمی در روز سی تیر ماه کشته شد. انتشار فیلم کوتاهی از لحظه جان سپردن او ، واکنش های جهانی را برانگیخت. بر اساس اعلام آرش حجازی، پزشکی که در هنگام شهادت ندا بالای سر او بود، مردم ضارب او را شناسایی و کارت شناسایی او را گرفتند، اما مقامات قضایی به خانواده آقا سلطان گفته اند که "با بررسی های صورت گرفته، به این نتیجه رسیده اند که این فرد قاتل ندا نبوده است".

هاجر رستمی مطلق، مادر ندا آقا سلطان در گفتگو با "روز" از خبر داد که هفته گذشته توسط وکلایش ، آقایان خرمشاهی و ادیبی ، شکایتی را تسلیم مقامات قضایی کرده است.

خانم رستمی در این زمینه به روز می گوید: "بعد از شهادت ندا ، رفتم پیش قاضی مرتضوی. به من گفتند که پرونده ندا، یک پرونده ملی است و ما پیگیر هستیم. سپس آقای شهریاری،بازپرس پرونده با ما تماس گرفتند و گفتند که بیایید و در دادسرای جنایی تشکیل پرونده بدهید که چون وضع روحی من خوب نبود گفتم بعد از چهلم ندا پی گیری خواهم کرد."

او با اشاره به دیدارش با قاضی مرتضوی پس از چهلم ندا گفت:" قاضی مرتضوی باز هم گفتند که به عنوان مدعی العموم در خصوص شهادت ندا شکایت کرده اند و پی گیری می کنند اما با تغییر دادستان، علیرغم تمام پی گیری ها و مراجعاتم موفق نشده ام وقت ملاقات از آقای جعفری بگیرم و هفته گذشته توسط وکلایم اقدام به شکایت کردم."

مادر ندا افزود:" به ما می گویند که شبانه روز پی گیر هستند تا قاتل را شناسایی کنند در حالیکه هویت قاتل ندا مشخص است؛ قاتل ندا همان است که سهراب و اشکان و سایر بچه ها را کشته است.کافیست اجازه دهند پرونده روند عادی خود را طی کند تا ثابت شود که قاتل ندا همان قاتل سایر شهدا است."

خانم رستمی با اشاره به برخی مباحث مطرح شده پیرامون دسیسه بودن شهادت ندا و ارتباط آن با منافقان گفت:" من به صراحت میگویم که شهادت ندا به هیچ عنوان دسیسه نبوده و دختر من آن روز نیز همچون روزهای قبل با میل خود به راهپیمایی رفت و همچون سایر کسانی که در آن روز شهید شدند، شهید شد."

خانم رستمی تصریح کرد که شکایت خود را پی گیری خواهد کرد و خواهان معرفی قاتل ومحاکمه او است. او گفت:" ما خواهان مجازات قاتل هستیم اما در رابطه با نوع مجازات ، بسته به شرایط تصمیم گیری خواهیم کرد."

از خانواده اعرابی انحصار وراثت خواسته اند

پیکر سهراب اعرابی جوان 19 ساله در حالی به خانواده او تحویل داده شد که مادر او در ۱۶ تیرماه با گذاشتن کفالت در دادگاه انقلاب در انتظار آزادی فرزندش بود. خانواده اعرابی از تاریخ 25 خرداد، از سهراب خبری نداشتند.

پروین فهیمی، مادر سهراب اعرابی، عضو کمیته مادران صلح است. او از قاتلان فرزندش شکایت کرده و خواهان رسیدگی به شکایت خود شده است. خانم فهیمی در این زمینه به "روز" گفت:" من روز هفت سهراب بود که شکایت کردم و هنوز هم پی گیر شکایتم هستم و میخواهم بدانم که بچه مرا چه کسی کشته است و چرا چند روزی که من بی اطلاع بودم و دنبال او می گشتم به من نگفتند."

مادر سهراب اعرابی افزود:" گزارش پزشکی قانونی می گوید که سهراب در 25 خرداد به ضرب گلوله کشته شده است؛ من میخواهم بدانم چرا پیکر سهراب را در تاریخ بیست و نهم تحویل پزشکی قانونی داده اند و 4 روز کجا بوده است."

وی با تاکید بر تقاضای خود مبنی بر معرفی قاتل گفت:" از ما انحصار وراثت خواسته اند و در این زمینه اقدام کرده ایم."

خانم فهیمی افزود:" به وکیلم که برای پی گیری شکایت رفته ، گفته اند که تیر از فاصله 3 الی 15 متری به سهراب خورده است و گفته اند که داریم تحقیق می کنیم اما تاکنون غیر از این نه چیز دیگری به ما نگفته اند و نه می گویند که تحقیقات به کجا انجامیده و نه خبری میدهند."

مادر سهراب اعرابی با انتقاد از رویه دستگاه قضایی در رسیدگی به شکایتش گفت:" من فقط میخواهم که عاملان و آمران قتل بچه ام معرفی و در دادگاه محاکمه شوند. کسانی که دستشان به خون آلوده است باید مجازات شوند. من از مجازات قاتل فرزندم نمی گذرم."

خانم فهیمی افزود:" من مخالف خون و خونریزی هستم و اعدام و قصاص را قبول ندارم. اگر آنها راحت آدم می کشند من نمی توانم بکشم اما اگر بخواهند اذیت کنند و به شکایت رسیدگی نکنند و مسکوت بگذارند شاید من هم تقاضای قصاص بکنم."

شکایت به سازمان ملل

اشکان سهرابی در جریان اعتراضات مردمی در روز 30 خرداد بر اثر اصابت 3 گلوله بر سینه اش جان باخت. خانم زهرا نیک پیما، مادر اشکان سهرابی نیز در گفتگو با "روز" از شکایت خانواده سهرابی و پیگیری آنها برای شناسایی و مجازات قاتلان فرزندش سخن گفته است.

خانم نیک پیما گفت:" بلافاصله بعد از گرفتن پیکر اشکان ، ما شکایت کردیم و تاکنون بارها برای پی گیری پرونده به دادسرا مراجعه کرده ایم اما به جایی نرسیده ایم."

وی افزود:" علیرغم مراجعات مکرر وکیل، همسر و برادرم تاکنون جواب درستی به ما نداده اند و هیچ جوابی نمی دهند. حتی به ما نگفته اند که آیا پرونده در مرحله تحقیقات است یا در چه مرحله ای است؟"

مادر اشکان سهرابی با تاکید بر اینکه خواهان شناسایی قاتل فرزندش است گفت:" من میخواهم و پی گیری می کنم تا عاملان و آمران و کسانی که دستور داده اند به مجازات برسند ."

وی افزود:" چگونه می شود تا انفجاری در سیستان اتفاق می افتد و تعدادی از افراد خودشان کشته می شوند زود شروع به پیگیری می کنند و حتی از دولت پاکستان هم کمک میخواهند اما به بچه های ما اهمیتی نمی دهند؟"

خانم نیک پیما با تاکید بر اینکه "حتی اگر سرم هم برود دست از پی گیری بر نمیدارم" افزود: "حتی یکبار نیامدند در تلویزیون به ما تسلیت بگویند یا عذرخواهی بکنند! اگر ببینم که به شکایتم رسیدگی نمی کنند و میخواهند مسکوت بگذارند قطعا از طریق سازمان ملل و سازمان های قانونی بین المللی پی گیری خواهم کرد ."

مادر اشکان سهرابی از طریق روز از مسولان جمهوری اسلامی می پرسد:" بچه من بی گناه کشته شده برای چی؟ به من بگید چرا کشته شده و چه کسی او را کشته؟ بچه های بی گناه را کشته اید و قضیه را مسکوت گذاشته اید که ماست مالی کنید اما من چنین اجازه ای نمی دهم . تنها کاری که می توانم برای اشکانم بکنم این است که صدای او را به جهان برسانم . مطمئن باشید اگر قاتل پسرم را معرفی نکنید من این صدا را جهانی خواهم کرد."

خانم نیک پیما گفت:" از چند نفر شنیده ام که هفته گذشته آمده اند محل زندگی ما و درباره اشکان تحقیقات محلی کرده اند. بچه ام را کشته اند حالا آمده اند تحقیق که چی؟ بچه من یک دانشجو بود و کاری به کار کسی نداشت و حتی به خاطر اعتراضات هم رفته بود حق نداشتند چنین رفتاری بکنند."

به گفته خانم نیک پیما« مسولان منتظر هستند تا خانواده ها از پیگیری شکایت ها دلسرد شوند.» او گفت: "من هرگز دلسرد نخواهم شد و اجازه نخواهم داد خون به نا حق ریخته بچه ام پایمال شود."

مادر اشکان سهرابی تصریح کرد:" تنها ضارب مهم نیست، باید آمران این قضیه مجازات شوند و من شکایتم را پی گیری خواهم کرد."

خانواده هاشم زاده ، پی گیر شکایت

مسعود هاشم زاده جوان ۲۷ ساله ای است که در ناآرامی های ۳۰ خرداد ماه در محدود خیابان شادمان و نصرت در تهران به ضرب گلوله ای جان باخت. خانواده او نیز شکایت کرده و خواهان مجازات قاتل فرزندشان شده اند.

فاطمه محسنی، مادر مسعود هاشم زاده با بیان اینکه تاکنون به شکایت خانواده مسعود رسیدگی نشده است به "روز" گفت:" تاکنون هیچ کاری در جهت رسیدگی به شکایت ما انجام نداده و حتی وکالت نامه وکیل ما را نیز قبول نکرده اند."

وی افزود:" ما شکایت کرده ایم و میخواهیم بدانیم چرا جوان ما را کشته اند و چه کسی قاتل عزیز ماست."

مادر مسعود هاشم زاده با بیان اینکه به هیچ عنوان از پی گیری شکایت خود منصرف نخواهد شد گفت:" تنها گناه بچه من این بود که به آقای موسوی رای داده بود."

وی افزود: "خیلی جاها ما را خواستند و گفتند که قضیه را پی گیری می کنند اما هیچ کاری نکردند. یک ماه پیش نیز مارا خواستند اداره آگاهی. رفتیم گفتند میخواهند پی گیری کنند اما سوالاتی که پرسیدند در این راستا نبود. مثلا مدام می پرسیدند که «چرا پیکر مسعود رابردید شهرستان؛ نباید اینکار را می کردید» در حالیکه ما ساکن شهرستان هستیم . بچه ام را کشته اند امابه جای اینکه آنها برای ما توضیح دهند از ما توضیح میخواهند. اجازه هیچ کاری هم که ندادند حتی نگذاشتند فامیل برای تسلیت بیایند و پسر دیگرم را نیز بازداشت کرده بودند که در مراسم ختم پسرم نباشد."

به گفته خانم محسنی اگر مسولان جمهوری اسلامی به شکایت خانواده هاشم زاده رسیدگی نکنند آنها به سازمان ملل مراجعه خواهند کرد.

او گفت:" تاکنون حتی به ما نگفته اند که پسرم با چه نوع اسلحه ای کشته شده. پسر دیگرم را بازداشت کرده و تحت بازجویی قرار داده بودند که از کجا بدانیم برادرت تیر خورده! نمی خواستند چیزی را قبول کنند."

مادر مسعود هاشم زاده با اشاره به جمع آوری اعلامیه ها و حجله پسرش توسط ماموران و ممانعت از برگزاری مراسم ختم گفت:" ما تا زمان معرفی قاتل و مجازات او از پا نخواهیم نشست."

پرونده جوادی فر در مرحله تحقیقات

امیر جوادی فر روز 18 تیر بازداشت شده بود و پیکر بی جان او را تحویل خانواده اش دادند. پدر امیر جوادی فر نیز به "روز" گفته است که از طریق وکیل، شکایت کرده و خواهان معرفی و مجازات قاتل فرزندش شده است.

به گفته آقای جوادی فر، بازپرس به وکیل او گفته است که پرونده در مرحله تحقیقات است اما تاکنون هیچ خبری از نحوه رسیدگی و تحقیقات به آنها داده نشده است.

آقای جوادی فر گفت که خواهان مجازات عاملین و آمرین قتل فرزندش است.

قاتل عذرخواهی کند

بهزاد مهاجر نیز در تظاهرات25 خرداد به ضرب گلوله جان باخت. نیما نامداری، برادر زاده بهزاد مهاجر در خصوص شکایت خانواده مهاجر به "روز" گفت:" ما روز تحویل گرفتن جنازه دایی ام تقاضای دادخواست دادیم و هر موقع که برای پی گیری رفتیم گفتند بروید خودمان خبرتان می کنیم."
به گفته آقای نامداری، 8 مهرماه از دادگاه تماس گرفته و از خانواده مهاجر خواسته اند که برای تشخیص اولیای دم و شاکی به دادگاه مراجعه کنند.
آقای نامداری گفت:" قتل در شرایطی اتفاق افتاده که نیروی انتظامی حضور داشته است و در محل عملیات امنیتی انجام می شده؛ قطعا هر عملیاتی یک فرماندهی دارد و چون فرمانده عملیات مشخص است کاملا مشخص است که ساعتی که ایشان تیر خورده آیا اجازه تیراندازی داده شده بود یا نه؟"
وی با اشاره به اینکه «حکومت از جنبه سیاسی به این قضیه نگاه می کند» افزود:" این مسائل شهدا و بازداشتی ها و مسائل دیگر را با یک دید می نگرند و دارند دست دست می کنند تا تکلیف کل پروژه شان مشخص شود."
آقای نامداری توضیح داد:" وقتی حکومت نمیخواهد افراد به خیابان بیایند باید حکومت نظامی اعلام کند اما وقتی اعلام نمی کنند چرا تیراندازی می کنند؟ این مساله شخصی نیست بلکه به حقوق عمومی جامعه برمیگردد. وقتی افراد به خیابان می آیند و کشته می شوند تعدی به جامعه و نقض حقوق شهروندی مردم صورت گرفته است . باید مشخص شود که آیا مردم حق دارند به خیابان بیایند یا نه؟"
وی با تاکید بر اینکه خانواده مهاجر به دنبال انتقام نیستند گفت: "ما دنبال انتقام از فرد نیستیم بلکه دنبال تعیین و تبیین حقوق آدم ها در جامعه هستیم و میخواهیم کاری کنیم آدم های کمتری کشته شوند."
آقای نامداری در عین حال تصریح کرد:" باید قاتل مشخص شود و بیاید و عذرخواهی کند و جامعه هم در این رابطه قضاوت کند."
وی با بیان اینکه خانواده مهاجر با اعدام و قصاص مخالف هستند افزود:" برای ما فرآیند دادرسی از مجازات مهم تر است؛ دادگاهی علنی ، عادلانه ، حقوقی و قضایی تشکیل دهند و جامعه ببیند و قضاوت کند."

شکایات مسکوت مانده است

براساس گزارش خبرنگار "روز" تاکنون به شکایت خانواده های جانباختگان اخیر رسیدگی نشده و این شکایات مسکوت مانده است. این درحالیست که از همان ابتدا خانواده های این افراد به شدت تحت فشار بودند تا از هر گونه اطلاع رسانی درباره عزیزان از دست رفته شان خودداری کنند. آنان حتی اجازه برگزاری مراسم سوگواری برای عزیزان شان را نیز نداشتند . از سوی دیگر درباره علت کشته شدن آنها نیزهرگز توضیحی به خانواده ها داده نشد و در اکثر موارد همچون امیر جوادی فر در گواهی فوت علت مرگ را نامعلوم نوشتند، در برخی موارد نیز نوشته بودند که سکته قلبی یا مغزی باعث فوت شده است . در عین حال پیکر تمام این شهدا قبل از تحویل به خانواده هایشان کالبد شکافی شده و گلوله ها از تن بی جان آنها خارج شده بود.
از خانواده های شهدای اخیر که موقع تحویل پیکر عزیزان بی جان خود ناچار شده بودند درباره چگونگی کفن و دفن عزیزشان تعهد بدهند، در مورد "شکایت نداشتن از مسوولان" تعهداتی گرفته شده بود اما این خانواده ها پس از به خاک سپردن پیکر فرزندان خود اقدام به پی گیری قضایی کرده و خواهان مجازات قاتلان فرزندانشان شده اند.

خانواده اسیران :دستگیری

خانواده اسیران کودتای 22 خرداد در نامه ای به مقامات قضائی روزگار خود را شرح داده اند.

قضات محترم و عوامل محترم دادستانی ، سپاه و وزارت اطلاعات

نامه به شما را با سلام آغاز نمی کنیم که سلام نماد همه آن چیزی است که شما و همکارانتان، از ما و امثال ما دریغ کرده اید. در وانفسای پس از آنچه شما انتخاب دهم می دانید، فجایع بسیاری بر ملت گذشت که هم ما می دانیم و هم شما و هم مردم، اما بهانه نوشتن این مختصر، نه صدور بیانیه ای سیاسی که حرفی دیگر است. از یورش جمعی ماموران تحت نظر دادستان وقت تهران به دفتر مرکزی جبهه مشارکت، ستادهای انتخاباتی و روزنامه ها و نیز بازداشت فله ای اعضای جبهه مشارکت و سایر فعالان سیاسی و مطبوعاتی زمان زیادی نمی گذرد و اگرچه موج بازداشتها هنوز ادامه دارد، اما شما و همکارانتان این بار شگفتی تازه ای آفریدید و 30 سال پس از برقراری نظام اسلامی، فریاد یارب یارب دعای کمیل فرزندان ملت و خانواده های بی پناه زندانیان را به مدد اسلحه و دستبند در گلو خشکاندید. آنچه می خواهیم در اینجا به شما یادآور می شویم مصداق نهی از منکر برادران و خواهران مسلمان به همکیشانی است که امیدواریم نه از روی آگاهی و نه به تعمد که به سهو و جبر روزگار راه به خطا می روند و ادای وظیفه ای است که لازمه آیین محمدی است.

آقایان محترم
می خواهیم روزهایی نه چندان دور را به یادتان آوریم که وقتی می خواستند از عدل، از انصاف و از مسلمانی سخن به میان آورند نام علی(ع) فصل الخطاب بود و منش و کردار او ملاکی برای قضاوت درستی و نادرستی. شاید فراموش کرده اید اما به یاد بیاورید رفتار پسر ابوطالب را با خانواده همسر از دست داده ای که زبان به لعن و نفرین امیرالمومنین گشوده بود یا سعه صدر علی(ع) را در تقابل با مخالفان که قرنهاست مایه فخر و مباهات شیعیان است. به یاد بیاورید منش رسول گرامی خدا را آن هنگام که در آستانه رحلت از جمیع مسلمین حلالیت می طلبید و تن رنجورش را در معرض قصاص پیرمردی بادیه نشین قرار می داد چه به عینه می دانست که که حتی او نیز باید جوابگوی عدل خداوندی باشد که از مثقالی حق الناس گذشت نخواهد کرد. آیا به راستی شما نیز چنین رفتار می کنید؟ آیا اگر اکنون شما نیز بر صندلی محکمه قضاوت ملت بنشینید و سایه ارباب قدرت از سر شما برداشته شود توان روبرو شدن با آنچه شما بر دیگران روا می دارید، دارید؟

برادران مسلمان
در قضاوت آنچه طی هفته ها و ماههای اخیر بر ما و ملت رفته است، هیچکس از شما آگاه تر نیست که لاجرم عمله ارباب قدرت بودید و به تعبیر خودتان مأمور و معذور؛ وجدانتان و مسلمانی تان را به قضاوت فرا می خوانیم نه برای داوری بین شمایان و انبوه زندانیان به ناحق زندانی، نه برای قضاوت میان شمایان و مادران و پدران دردکشیده؛ نه برای سنجش درستی و نادرستی آنچه شما وظیفه و چه بسا ثواب می دانید و مردم تعبیر به ظلم و بیدادش می کنند و نه به تصریح شریعت برای آگاهی نسبت به عواقب همه آن چیزی که در پس این آه ها و دعاهای سر به آسمان برآورده، عاید فرزندان و خانواده هاتان می شود، بلکه برای درستی روایتی که می خواهید در پس روزها و سالهایی که می آید، شرافت شما را در معرض نگاه امروز و آینده وابستگان و آنان که شما را می شناسند لکه دار نکند. وجدانتان را به بیداری فرا می خوانیم و از شما انتظاری جز عمل به قانون و رعایت اصول انسانی و مسلمانی نداریم که خود از ما بهتر می دانید در پیشگاه خداوند مامور و معذور بودن پاسخی نیست که گوشی برای شنیدنش باشد.

هموطن گرامی
شنیدن سخن به نصیحت برای همه گران است و شاید برای شما گرانتر. اما حتی اگر به مصلحت آخرت خود نمی خواهید از کسی چیزی بشنوید و با این همه باز خود را محق و صاحب حق می دانید، به صلاح دنیایی که برای خود ساخته اید، شما را به خواندن دوباره تاریخ فرا می خوانیم چه ممکن است در لابلای ورقهای تاریخ این سرزمین، صفحاتی را بیابید که آیینه عبرت آموز دیگرانی است که نشنیدند و راه به ناکجا بردند.

برادران
چه بسیارند در میان شما که همچون ما و مردم، از فرجام روزهای پس از کودتای 22 خرداد دست دعا بر آسمان دارند که برایشان گشایش و رهایی از خدای متعال طلب می کنیم، اما هستند کسانی که چوب نادانی و کج فهمی شان، حرمت دامن مظلومان را آلوده است و هنوز می آلاید. برایشان نه طلب خیر می کنیم و نه آنها را لایق نفرین می دانیم که خدا از ما بر آنچه می کنند آگاه تر است و از ذره ای به سادگی گذشت نخواهد کرد.

کلام آخر ما با شما نه استغاثه کمک است و نه استمداد رأفت که میثاق بنده و خالق بر این است که جز از او چیزی طلب نمی کند، اما به صراحت می گوییم که آنچه در ظاهر و خلوت می کنید دیرزمانی نخواهد گذشت که از پرده برون خواهد افتاد و به جبر روزگار گریبان دنیا و آخرت شما را خواهد گرفت. پس تا دیر نشده به خود بیایید و چوب بیداد ارباب بی مروت قدرت نباشید که در روزهایی که به مدد خدا خواهند آمد و زیاد دور نیست، آنها به عاقبت اعمال و گفتارشان بیشتر از آن مشغول خواهند بود که بتوانند یاری رسان شما باشند.
من آنچه شرط بلاغ است با تو گفتم باز
خواهی از سخنم پند گیر و خواهی ملال
والسلام علی من اتبع الهدی
جمعی از اعضای جبهه مشارکت ایران اسلامی

طبق آخرین خبرهای رسیده از منابع موثق:
اعتصاب غذا و داروی هنگامه شهیدی

هنگامه شهیدی ساعتی پیش در تماس تلفنی با خانواده اش گفت که دست به اعتصاب غذا زده است و انقدر به اعتصاب غذا ادامه خواهد داد که یا آزاد شود و یا جنازه اش را از زندان به خارج منتقل کنند.مادر شهیدی که دچار نارسایی شدید قلبی است با شنیدن این خبر دچار حمله قلبی شد و هم اکنون در بیمارستان به سر می برد.

نگاه مطبوعات جهان به سیاست اتمی جمهوری اسلامی :
تسلیم در ژنو، طفره در تهران

مطبوعات جهان به بررسی سیاست اتمی جمهوری اسلامی پرداخته اند. در این مقالات این موضوع موردبحث قرار گرفته است که چگونه مذاکره کنندگان بعد از تسلیم در برابر آمریکا در مذاکرات ژنو، د رتهران به چالش کشیده شده اند.

علی لاریجانی دومین اصول گرائی بود که بعد از محمد باهنر به مخالفت با توافق ژنو پرداخت. او گفت:" می خواهند سوخت مان را از دست مان بگیرند ."

علی لاریجانی رئیس مجلس اسلامی ایران در گفتگو با خبرگزاری دانشجویان این کشور، ایسنا، پس از اشاره تلویحی به موافقتنامهٔ پیشنهادی آژانس بین المللی انرژی اتمی، کشورهای غربی را متهم به فریبکاری در مذاکرات خود با ایران کرد و گفت : غربی ها اصرار دارند به سمت نوعی فریبکاری بروند ویا مواردی را به ایران تحمیل کنند.

علی لاریجانی تأکید کرد که هیچ ارتباطی میان تحویل اورانیوم غنی شدهٔ ایرانی به خارج و دریافت اورانیوم غنی شده تا سطح بیست درصد نمی بیند جز اینکه غربی ها بخواهند "به جای تحویل سوخت به ایران، سوخت این کشور را از آن بگیرند."

رئیس مجلس اسلامی ایران که از این قصد به عنوان "شیطنت" یاد کرد در جای دیگری از اظهاراتش افزود : تازه تضمینی هم وجود ندارد که بعد از گرفتن اورانیوم های غنی شدهٔ ایران با غلظت پائین سوخت نیروگاه های ایران را تأمین کنند.

دیروز همچنین علاءالدین بروجردی رییس کمیسیون امنیت ملي و سیاست خارجي مجلس اسلامی ایران گفت : بهتر است که این کشور به جای تحویل اورانیوم های غنی شدهٔ خود به خارج اورانیوم غنی شده تا سطح بیست درصد را خریداری کند.

نخست وزیر اسرائیل در مصاحبه با نشریه واشنگتن پست گفت : هر توافق بین المللی ای با ایران بر سر پروندهٔ اتمی این کشور باید در خصوص توقف غنی سازی اورانیوم از سوی این کشور صراحت داشته باشد.

بنیامین نتانیاهو در این مصاحبه گفته است : باید جامعهٔ بین المللی بر ایران فشار بیاورد تا غنی سازی اورانیوم را متوقف کند. نخست وزیر اسرائیل تأکید کرده است : هدف از غنی سازی اورانیوم توسعهٔ توانایی تولید سلاح اتمی است و به همین خاطر هر راه حلی در بحران اتمی ایران باید با توقف فعالیت غنی سازی اورانیوم از سوی این کشور همراه باشد.

محمد رضا باهنر، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی نیز ضمن ابراز مخالفت با پیشنهاد آژانس تاکید کرده: "اینکه ما در مقابل اورانیوم ۲۰ درصدی، سوخت سه و نیم درصدی بدهیم مورد قبول نیست".

باهنر افزوده است: "موضع رسمی ما این است که آن‌ها باید این سوخت را تامین کنند و ما اعلام کرده‌ایم که اگر نظام بین‌الملل این کار را انجام ندهد ما خودمان این سوخت را تأمین می‌کنیم".

مخالفت لاریجانی و باهنر در حالی ابراز می شود که بر اساس گزارش بی بی سی ، "پیشنهاد ارسال اورانیوم غنی شده به خارج از ایران برای تبدیل به سوخت، ابتدا توسط رئیس جمهوری این کشور مطرح شده بود".

محمود احمدی نژاد روز ۸ مهر، یک روز پیش از ملاقات نمایندگان ایران و گروه ۵+۱در ژنو در جمع خبرنگاران گفته بود که یکی از موضوعاتی که در این ملاقات مطرح خواهد شد، خرید سوخت هسته ای برای رآکتور تهران است و "ما حتی آمادگی داریم که مواد ۳.۵در صد را بدهیم و آنها آن را تا ۱۹.۷۵یا ۲۰درصد غنی کنند و به ما تحویل دهند".

گاردین : همه چیز بهم می خورد

اگر تهران تصمیم بگیرد شرایط مندرج در پیش‌نویس قرارداد هسته‌ای توافق شده در وین را که روز چهارشنبه تائید کرد تغییر بدهد همه چیز به هم خواهد خورد. اما پیش از اینکه چاله‌هایی که سر راه قرار دارند را فهرست کنیم، بهتر است موقعیت امروز خود را با یک سال پیش مقایسه کنیم. در دور قبلی مذاکرات در ژنو، ایران یک سند دو صفحه‌ای تایپ شده را به نام تکه کاغذ تهیه کرد. تکه کاغذ نامی است که برای یک سند مذاکره غیررسمی بکار می رود؛ ولی مفاد مفاد این نوشته بیشتر از آنچه نویسندگان آن قصد داشتند به واقعیتی اشاره می کرد. در واقع آن یادداشت چیزی نبود جز مذاکره به خاطر مذاکره. آن یادداشت را با قرارداد پیشنهادی امروز مقایسه کنید: توافق بر سر فرستادن سه چهارم اورانیوم غنی‌شده انبارشده ایران به روسیه برای پالایش بیشتر به عنوان سوخت هسته‌ای که تنها می‌تواند در راکتور غیرنظامی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین بازرسان هسته‌ای روز یکشنبه قرار است از تاسیسات قم که قبلا آشکار نشده بود دیدن کنند و تلاشی دیگر برای از سرگیری مذاکرات بر سر توقف برنامه غنی‌سازی تا آخر این ماه را سازمان دهند.

عوامل بسیاری می‌توانند تجدیدنظر در این توافق را موجب شوند: جریان ناتمام انتخابات ریاست جمهوری خرداد ماه؛ قدرت تضعیف شده آیت‌الله علی خامنه‌ای؛ ناآرامی در پاکستان و افغانستان که در آن سوی مرز در جریان است؛ این واقعیت که ساخت تاسیسات غنی‌سازی موازی دیگری در قم بر ملا شده است؛ یا اینکه ایران اکنون اورانیوم غنی‌شده بیشتری برای معامله در اختیار دارد. اما یک عامل مهم تغییر رژیم در واشنگتن است. در عرض یک سال سیاست آمریکا در قبال ایران، از اجتناب از مذاکرات مگر با شرط توقف غنی‌سازی به مراوده تغییر یافته است. اگر این امر تحقق بیابد، نشان خواهد می‌دهد که باراک اوباما در عرض چند ساعت مذاکره چیزهای بیشتری از ایران بدست آورده تا بوش در مدت هشت سال مقابله لفظی.

و اما اخطارها. ایران غنی‌سازی را متوقف نمی‌کند و تنها یک سال طول خواهد کشید تا سانتریفیوژهای ایران 1200 کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده با درجه پایین را که به روسیه تحویل می‌دهد دوباره تولید کند. آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای نمی‌تواند مطمئن باشد که ایرانی‌ها مقدار بیشتری اورانیوم غنی‌شده با درجه پایین را در جایی دیگر، در کوهپایه دیگری مخفی نکرده باشند. بازرسان بین‌المللی نیز مطمئن نیستند وقتی به قم می‌رسند آیا تمامی اطلاعات درخواستی را دریافت خواهند کرد یا نه.

اما اگر توافق به تحقق بپیوندد، احساسات تندروانه در خاورمیانه را ملایم می‌کند. روندی را برقرار می‌کند که دست اسرائیل و قصد حمله هوایی آن را می‌بندد؛ همینطور در مورد ایران: میزانی از اطمینان دوجانبه را ایجاد می‌کند که مذاکرات مشکل پیش رو در مورد توقف غنی‌سازی را با جوی آرام تر همراه خواهد کرد– روندی که ایران آن را حق ملی خود می‌داند. این روند ممکن است مدلی برای کشورهای دیگر که در نظر دارند چرخه هسته‌ای خود را بسازند به وجود آورد.

تایمز آنلاین :**طفره ایران در لحظات آخر**

درحاليكه ايران از توافقي كه قرار بود منجر به توقف انباركردن سوخت اتمي بشود، طفره مي رود، سياست هاي اوباما مبني بر ايجاد رابطه با ايران درحال فروپاشي است. ايران با اصول گفتگوهاي ژنو و فرستادن مقدار زيادي از اورانيوم نيمه غني سازي شده اش را براي توليد سوخت اتمي به رآكتور هاي يک کشور ديگر، توافق کرده بود.

اين هفته اين اصول در وين نهائي شد و قرار بود تا نيمه شب امشب توسط ايران مهر و موم بشود.

چارچوب كاري و اجازه دادن به بازرسان بين المللي براي بازديد سايت تازه كشف شده قم، بعنوان شواهدي مبني بر اينكه ايران به گزينه ديپلماسي پاسخ مثبت داده است، تلقي شده بود.

امروز، تنها چند ساعت مانده به پايان ضرب الاجل، ايران با دادن يک پيشنهادجديد، همه چيز را تغيير داد، اين كشور از مخاطبان خود خواست كه اجازه بدهند اورانيوم غني سازي شده را مستقيما از خارج از كشوربخرند.

بعد، جمهوري اسلامي ايران طي بيانيه اي اعلام كرد جواب پيشنهادات را هفته آينده تسليم محمد البرادعي، رئيس آژانس بين المللي انرژي اتمي خواهد كرد.

علي اصغر سلطانيه،نماينده ايران در آژانس بين المللي انرژي اتمي، گفته است:« ايران درحال بررسي دقيق ابعاد مختلف متن موافقت نامه پيشنهادي در مورد تامين سوخت راكتور تحقيقاتي تهران است.»

«بعد از توافق قطعي در سفري كه هفته آينده به وين خواهم داشت، جواب را به آقاي البرادعي خواهم داد».

پيشنهاد ايران نسبت به توافق نامه اي كه در وين توسط بازرسان سازمان ملل، آمريكا، روسيه و فرانسه به امضا رسيد، بسيار محدود است. اين پيشنهاد نه تنها باعث كاهش اورانيوم نيمه غني سازي شده كه درحال حاضر مقدار آن به حدي رسيده است كه بشود سوخت كلاهک اتمي را تامين كرد، نمي شود بلكه ناقض قطعنامه هاي قبلي سازمان ملل هم خواهد بود.

گفته هاي يک منبع نزديک به تيم مذاكره ايران كه نخواست نامش فاش بشود، از تلويزيون دولتي ايران پخش شد:« جمهوري اسلامي ايران در قالب پيشنهادي روشن خريدار سوخت براي راكتور تحقيقاتي تهران است و منتظر پاسخ سازنده و اعتماد ساز است».

يک ديپلمات غربي هشدار داد كه شكست تهران در موافقت با اين پيشنهاد ممكن است گفتگوهاي اين كشور با سه كشور اروپايي بعلاوه سه، روسيه، آمريكا، چين، فرانسه، آلمان و انگلستان را كه قرار است هفته آينده در ژنو صورت بگير، با بحران روبرو كند و باعث شود كه دولت جديد ايران با تحريم مواجه شود.

برنارد كوشنر، وزير امورخارجه فرانسه در جريان ديدارش از لبنان گفت:« نشانه هاي دريافتي حاكي از آن است كه اوضاع خيلي مثبت نيست. اگر نشانه ها همچنان منفي بماند، تاثير منفي اش را بر مذاكرات هفته آينده ژنو خواهد گذاشت».

بي ميلي روسيه و چين براي تشديد تحريم ها، آمريكا را مجبور كرد تا در صورت شكست تلاش هاي سازمان ملل و قطعنامه هايش، متحدان ديگري براي تحريم اقتصادي ايران پيدا كند.

آخرين حركت ايران مستقيما نشان دهنده تاكتيک هاي اين كشور براي آزمايش غرب و خريدن زمان براي گريز از تحريم است. اما صبر غرب لبريز شده است و اين درحالي است كه ديپلمات ها هشدار داده اند كه توافق اول اكتبر در ژنو كمتر از آنچه در ابتدا به نظر مي آمد، موفقيت آميز بود.

درحالي كه به روز يكشنبه كه قرار است بازرسان آژانس براي بازديد از سايت تازه كشف شده قم به ايران مي روند، موج نگراني ها بيشتر شده است.

به موجب پيش نويس پيشنهادي مدير كل آژانس، ايران بايد حدود ۱۲۰۰ كيلو گرم از ذخاير اورانيوم با غلظت سه و نيم درصدي خود را به روسيه ارسال كند. احتمال مي رود كه اين سوخت پس از غني سازي تا حد ۲۰ درصد براي تبديل به ميله هاي سوخت به فرانسه ارسال شود و در پايان سال ۲۰۱۰ به ايران بازگردانده شود.اين سوخت قرار است در رآكتور هاي تحقيقاتي ايران و براي تحقيقات دارويي مصرف شود.

قصد سازمان ملل از اين پيشنهاد اين بود كه ايران سوخت غني سازي شده آماده را بخرد و دليل آن منصرف كردن شان از غني سازي اورانيوم بود كه غربي ها از آن بيم دارند.

ايران مي گويد كه برنامه هاي اتمي اش فقط بمنظور توليد برق است و گفته مي شود اين

کشور سال ها تا ايجاد رآكتوري كه بتواند اين همه سوخت اتمي را در آن مصرف كند، فاصله دارد و به همين دليل كشورهاي غربي مي ترسند که قصد ايران از انبار كردن سوخت اتمي توليد سلاح اتمي باشد.
انگلستان، فرانسه و اسرائيل معتقدند كه ايران همه راهكار هاي ساخت بمب اتمي را در اختيار دارد و تحقيقات تسليحاتي علي رغم اصرار ايران بر متوقف شدنشان از سال ها پيش،همچنان ادامه دارد.
آژانس بين المللي انرژي اتمي هشدار منابع اطلاعاتي غرب را مبني بر تسليحاتي شدن برنامه ايران، قابل تامل دانست و ايران را به دليل عدم پاسخگويي در اين مورد، سرزنش كرد. ايران در مقابل پنج قطعنامه سازمان ملل براي متوقف كردن برنامه هاي اتمي اش تا زماني كه پاسخي مناسب درمورد ابعاد نظامي اين برنامه پيدا كند، قرار گرفته است.

نگاهي به سياست تا لبه پرتگاه اتمي ايران

20 مارس 2009، بعد از سال ها تلاش آمريكا براي منزوي كردن ايران، پرزيدنت اوباما خواستار "گفتگوي متقابل" با ايران شد.
9 آوريل رئيس جمهور احمدي نژاد گفت كه ايران صاحب چرخه اتمي شده است و اين ماشين ها را آزمايش كرده است.
12 ژوئن احمدي نژاد مجددا انتخاب شد. اعتراضات شديدي از سوي ميانه روها نسبت به تقلب در انتخابات صورت گرفت.
21 اوت، ديپلمات ها اعلام كردند كه ايران در دو سايت اتمي با آژانس همكاري كرده است.
1 سپتامبر ايران اعلام كرد كه آماده است با قدرت هاي بزرگ جهان وارد مذاكره بشود.
2 سپتامبر آژانس اعلام كرد كه ايران در آينده نزديک ايران سلاح اتمي توليد نخواهد كرد.
11 سپتامبر آمريكا اعلام كرد كه پيشنهاد ايران براي مذاكره را قبول مي كند.
17 سپتامبر ايران اعلام كرد كه هرگز دست از برنامه هاي اتمي اش بر نمي دارد.
24 سپتامبر چين با تحريم ايران مخالفت كرد.
25 سپتامبر سران كشورهاي غربي اعلام كردند كه ايران يک سايت مخفي ساخته است.
27 سپتامبر ايران آزمايش موشكي دو روزه اش را آغاز كرد.
1 اكتبر ايران با شش قدرت جهان در ژنو ملاقات كرد.
4 اكتبر آژانس اعلام كرد كه روز 25 اكتبر از سايت مخفي ايران بازديد خواهد كرد.
6 اكتبر آمريكا تهديد كرد كه در صورت شكست مذاكرات، ايران را تحريم خواهد كرد.
19 اكتبر گفتگوهاي وين علي رغم اينكه اينكه ايران اعلام كرد با فرانسه گفتگو نخواهد كرد،آغاز خوبي داشت.
21 اكتبر آژانس طرح پيش نويس براي كاهش غني سازي اورانيوم را ارائه كرد.
23 اكتبر ايران پيشنهاد را قبول نكرد و پيشنهاد جديدي مطرح

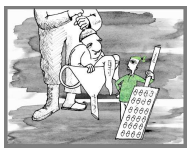

نیویورک تایمز :

ایران را چه می‌شود؟

به عنوان یک مقام سابق امنیت ملی آمریکا - همراه با بسیاری از آمریکایی‌های دیگر – تلاش می‌کردم که معمای هسته‌ای ایران را درک کنم. ایران را واقعا چه می‌شود؟ در عین حال که سخت است دقیقا چه کسی و چه چیزی را باور کنیم، می‌توانیم سعی کنیم نقطه‌های گزارش‌های اخیر را به هم وصل کنیم و فرضیاتی را پیش ببریم.
پیتزبورگ. کنفرانس خبری پرزیدنت اوباما با نیکلای سارکوزی رئیس‌جمهور فرانسه و گوردون براون نخست‌وزیر انگلیس در اجلاس جی-20 با آشکارسازی تاسیسات غنی‌سازی جدید در قم و سپس تحریم‌های شدیدتر در صورت شکست ایران در وفاداری به تعهدات خود تحت پیمان عدم تکثیر سلاح هسته‌ای، تهدیدهای جدیدی را عنوان کردند.
این تهدید ها تغییر لفظ آقای اوباما به حساب می آید که در حال تجربه مراوده بدون قید و شرط با ایران بوده است. او برای اطمینان بیشتر همچنین از "چماق‌های بزرگتر و هویج‌های بزرگتری" هم حرف زده است.
مسئله واقعی این است که آیا افزایش فشار یک حرکت کاملا تاکتیکی بوده است یا اینکه آقای اوباما و همکارانش در واقع نقشه جامع‌تری در سر دارند. حالت دوم می‌تواند بر پایه دانش ویژه‌ای باشد : مثلا انتظار رسیدن به تفاهمی معنی داربا تهران یا اطمینان از اینکه تحریم‌های جدید مورد توافق و نیز موثر خواهد بود.
اگر نه، وقتی مهلت بدون حصول نتیجه به پایان برسد، رهبران غربی خود را در معرض کاهش اعتبار بیشتری خواهند یافت.
قم. این چیست؟ ایرانی‌ها با عجله آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را مطلع کردند که در قم نیز چیزی در جریان است. بیشتر کارشناسانی که با آنها گفتگو کرده‌ام ظنین هستند که این سایت از اول به عنوان یک سایت موشکی طراحی شده است ودر حال تبدیل به یک "تاسیسات غنی‌سازی نجات بخش"، در صورت هدف قرار گرفتن نطنز و دیگر تاسیسات هسته ای، است. ممکن است در قم هیچ ماده قابل انشقاقی وجود نداشته باشد.
آمریکا ادعا می‌کند که از سال 2007 از قم باخبر بوده است. هنوز توضیح قانع کننده‌ای ارائه نشده است که چرا هم ایرانیان و هم آقای اوباما آن را اکنون آشکار کرده‌اند.
مذاکرات ژنو و وین. مذاکرات ایران که 5+1 (پنج عضو شورای امنیت سازمان ملل و آلمان) نیز خوانده می‌شود حداقل بصورت ظاهری سازنده بوده است. تهران قول داد که به بازرسان اجازه دهد از تاسیسات قم دیدن کنند و مقدار قابل توجهی از اورانیوم غنی‌شده با درجه پایین خود را برای پالایش به روسیه و فرانسه بفرستد.
این اقدامات می‌تواند پیشرفت‌هایی را نشان دهد – یا به قول یک تحلیلگر حداقل "آغاز یک شروع" باشد - و به استراتژی مراوده آقای اوباما نشانه‌ای از یک پیروزی زودرس بدهد. تفسیر بدبینانه‌تری که بین تحلیلگران امنیتی غربی شایع است این است که رژیم ایران برای بدست آوردن زمان این کار را کرده است.
در هر صورت قول برای دادن اجازه به بازرسان انرژی‌اتمی و انتقال اورنیوم غنی‌شده با درجه پایین به زودی مورد آزمایش قرار می‌گیرند.
دانشمند گمشده هسته‌ای. فاش شدن اخیر مفقود شدن سه ماهه دکتر شهرام امیری کارشناس ارشد هسته‌ای ایران – همزمان با سرکوب ماه ژوئن در ایران و آشکارسازی قم – جالب است، بویژه با توجه به این گزارش که منابع اورانیوم غنی‌شده با درجه پایین ایران رو به کاهش است و ناخالصی جدی دارد و می‌تواند موجب شکست سانتریفوژ شود. اینکه او پناهنده شده یا ربوده شده است مشخص نیست.
منتقدان مذاکرات ژنو بلافاصله اشاره کردند که این مشکلات فنی می‌تواند شرح دهد که چرا تهران حالا مشتاق است اورانیوم غنی‌شده با درجه پایین خود را برای معاوضه با سوخت جدید به روسیه بفرستد. اما این تصویر با این نکته که آشکارسازی تاسیسات قم تهدید هسته‌ای جدی را مطرح می کند مغایرت دارد.
رای لغزان مسکو. هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا هفته گذشته برای ادامه فشار دادن "دکمه بازگشت به حالت اولیه" به مسکو سفر کرد. هدف اصلی مذاکرات پیشبرد پیمان کاهش تسلیحات هسته‌ای بود. یک پیمان جدید، که شدیدا انتظار آن می‌رود، نشان می‌دهد که آمریکا و روسیه بر اهداف دراز مدت انرژی‌اتمی مبنی بر جهانی عاری از سلاح هسته‌ای متعهد هستند.
موضوع دیگرمورد بحث خانم کلینتون ایران بود. کرملین نمی‌تواند با آیت‌الله‌ها معامله کند اما می‌تواند گزینه‌های آنها را محدود سازد. پرزیدنت دیمیتری مدودف مذاکرات ژنو – وین را مورد ستایش قرار داد و اشاره کرد که «تحریم‌ها درحال حاضرمناسب نیست.» روسیه اصولا با تحریم‌ها مخالف بوده است زیرا از اتفاقی که در صورت شکست تحریم‌ها می‌افتد بیمناک هستند. آنها درک می‌کنند که تحریم‌ها فی‌نفسه پایان کار نیستند.
اگر روسیه – یا چین – از تحریم‌ها حمایت می‌کردند، با آقای اوباما، آقای سارکوزی و آقای براون در جی-20 روی یک سکو بودند.
اما کلمه پایانی آقای مدودف - یعنی "در حال حاضر" - جدید و قابل توجه بود. مطمئنا تهران نیز به این لحن توجه کرده است. روس‌ها به احتمال خیلی زیاد به خانم کلینتون گفته اند که آنها به تهران فشار خواهند آورد که به تعهدات انرژی‌اتمی تجدید نظر شده پایبند باشند.
مسکو به عنوان عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل و یکی از معماران انرژی‌اتمی، ایران غیرهسته‌ای را ترجیح می‌دهد. اما احتمالا مسکو شرایط حاضر را– ایران منزوی با جاه‌طلبی‌های هسته‌ای که غرب را می‌رنجاند – به ایران با آرامش یا با روابط حسنه ترجیح می‌دهد.
با این وجود مسکو اگر بتواند از حمله نظامی توسط آمریکا یا اسرائیل که موجب عدم ثبات منطقه‌ای می‌شود جلوگیری کند، سناریوی اخیر را می‌پذیرد. از این رو، روسیه با غرب همکاری نیم بند و سودجویانه دارد.
بازی پایانی خدعه‌آمیز. درست مثل مورد افغانستان، جایی که تحلیلگران جدی حالا ایده‌های خروج و محدود نگاه داشتن نیرو ها را که زمانی رادیکال بود مطرح می‌کنند، گزینه های جدیدی شروع به ظاهر شدن برای ایران می‌کنند.
تنها سه گزینه نظری وجود دارد – یک حمله پیشگیرانه، رضایت و بازدارندگی، یا توافق در درون چارچوب ها.
اولی اگر غیر عملی نباشد، غیر قابل دفاع است. دومی عملی است اما دلخواه نیست. آخری بهترین سناریوی عملی است.
دلگرم‌کننده‌ترین تئوری این است که ایرانی‌ها واقعا به آزمایش قابلیت هسته‌ای نزدیک نباشند و بیش از آن، استراتژی آن در واقع ماندن در این وضعیت است.
در این صورت، تهران ممکن است قصد این را داشته باشد که تمام زیربنای لازم را توسعه دهد اما از آزمایش «18 ماه فاصله داشته باشد.» این حالت با انرژی‌اتمی تطابق دارد و همان استراتژی شاه در دهه 1970 است.
دهها کشور که شاخص‌ترین آنها ژاپن، برزیل و آفریقای جنوبی هستند، امروز در همین وضعیت قرار دارند. خودداری از آزمایش حیاتی است – چیزی که پیمان عدم تکثیرسلاح های هسته ای در مورد هند و پاکستان در آن شکست خورد.
اگر تهران به چیزی که گاهی «گزینه ژاپن» نامیده می‌شود علاقمند باشد – داشتن توانایی تولید سلاح هسته‌ای در کوتاه مدت اما عدم آزمایش آن – این می‌تواند فرصتی منطقی برای چارچوب مورد توافق بازرسی‌ها، نظارت و هشدارهای اولیه باشد. ایران باید پیمان جامع منع آزمایش را تائید کند.
برای حصول چنین چارچوبی به حداقلی از اعتماد بین ایران و غرب و نیز روسیه، اسرائیل و کشورهای عربی نیاز است. یک زمینه خوب برای این کار وارد کردن ایران درمسائل وسیع‌تری ازجمله جبهه‌های امنیت منطقه است.
مشکل این است که بین آمریکا و ایران اعتماد بسیار کمی وجود دارد. چه کسی اولین حرکت را می‌کند؟
ایرانی‌ها با توجه به شکاف داخلی جدی، ممکن است اطمینان این را نداشته باشند که در این جهت حرکت کنند. در واقع هیچ رهبر ایرانی نمی‌خواهد گورباچف باشد و فروپاشی رژیم را هدایت کند. همه می‌خواهند پوتین باشند و ثبات را هدایت کنند.
گزینه خطرناک اسرائیل. اگر اعتماد بین آمریکا و ایران نزدیک صفر باشد، اعتماد بین اسرائیل و ایران زیر صفر است.

از همه نگران‌کننده‌تر این است که برخی از اسرائیلی‌ها بصورت خصوصی اوباما را ضعیف می‌خوانند و بر این اشاره دارند که دیگر نمی‌توانند در مورد ایران به آمریکا اعتماد کنند. شایعه جدید، قصد حمله اسرائیل به ایران در آینده نزدیک است.
اسرائیل می‌تواند جنگی را علیه ایران آغاز کند، اما شک وجود دارد که بتواند چنین جنگی را تمام کند. حتی اگر جنگی با دقت و مهارت باشد، مسلما به پاسخی بی‌تناسب و جنگی وسیع‌تر در خاورمیانه کشیده خواهد شد.
اگر سناریوی جنگ عملی نباشد، چرا اسرائیل این همه سر وصدا می‌کند؟ شاید سر وصدا اصلی‌ترین بخش استراتژی آنها باشد. پیش از حمله پیشگیرانه قبلی به تجهیزات عراق و سوریه، اسرائیل ساکت بود.
اما سر و صدای تهدیدآمیز اسرائیل همچنین می‌تواند غیرسازنده باشد و ایرانیان را وادار به سرعت بخشیدن به کار خود کند.
از یک مقام رسمی اروپایی شنیدم که «خطر جدی آن است که سیاست مذاکرات شکست خورده و پس از آن تحریم‌ها شکست خورده و پس از آن جنگ هم شکست خورده باشد.»
وی سپس افزود: «بهتر است باهوش و دیپلماتیک باشیم و بدانیم که چه وقت گشایشی پیش خواهد آمد.»

اکو نومیست:

ایران: بالاخره بله یا خیر؟

ایران معمولا میانه‌ای با مهلت‌ها ندارد. در هفت سال گذشته وقتی که اولین بار گروه مخالف ایران، برنامه وسیع هسته‌ای پنهانی آن کشور را فاش کردند، علی‌رغم درخواست پنج قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر پایان دادن به برنامه هسته‌ای مورد ظن، آنها طفره رفته اند. پس از مذاکراتی که 21 اکتبر در وین پایان یافت، محمد البرادعی، رئیس در حال کنارگیری آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به ایران و سه کشوری که سعی دارند قراردادی جانبی را برای تهیه سوخت راکتور هسته‌ای تهران به امضا برسانند گفته است که آنها برای قبول این پیشنهاد تنها دو روز فرصت دارند اگر نه باید آن را فراموش کنند.
هنوز مشخص نیست ایران این قرارداد که راکتور تحقیقاتی را که ایزوتوپ‌های پزشکی تولید می‌کند سر پا نگه می‌دارد، قبول می‌کند یا بر سر آن چانه می‌زند. در همین حال پس از سه هفته تاخیر، بازرسان هسته‌ای سازمان ملل قرار است از تاسیسات هسته‌ای که به تازگی وجود آن فاش شده است دیدن کنند. این تاسیسات در اعماق یک کوهپایه در یک محوطه نظامی در نزدیکی شهر قم ساخته شده است. بر اساس برنامه سوخت راکتور، که ایده آمریکا بوده است، ایران 1200 کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده با درجه پایین را که در نیروگاه نطنز قرار دارد تا پایان سال به آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای تحویل می‌دهد. این آژانس آن را تا اواسط ژانویه برای غنی‌سازی بیشتر به روسیه می‌دهد؛ راکتورهای ایران، از نوعی که در تهران قرار دارد با اورانیوم غنی‌شده تا میزان 75/19 درصد کار می‌کند. اورانیومی که برای راکتورهای انرژی غیرنظامی استفاده می‌شود زیر 5 درصد خلوص است که ایران در انجام آن مهارت دارد. سپس اورانیوم آماده از روسیه برای تبدیل به میله‌های سوختی به فرانسه فرستاده می‌شود و نهایتا برای سرپا نگه داشتن راکتور تهران از دسامبر 2010 به ایران بازگردانده می‌شود.
برنارد کوشنر وزیر امور خارجه فرانسه اصرار کرده که این میزان اورانیوم، که حدود 75 درصد مقدار تولیدی ایران است، تا پایان سال یکباره از آن کشور خارج شود نه اینکه طی ماه‌ها ذره‌ذره بیرون بیاید، چرا که در حالیکه ماشین‌های نطنز درحال کار هستند، این اقدام تنها موقتا منابع ایران را تهی می‌کند. این مقدار اگر تا 90 درصد غنی‌سازی شود، برای ساخت یک بمب کافی است. اما این قرارداد ایران را از هرگونه توجیه برای غنی‌سازی با درجه بالاتر توسط خود آن کشور محروم می‌کند.
ایران درخواست خروج فرانسه از قرارداد را کرده است. یک مقام غربی گفته است که این «بدخواهانه یا بدون سرنخ است.» به جز آمریکا که راکتور تهران را در دهه 1960 تدارک دیده است، تنها فرانسه و آرژانتین می‌توانند میله‌های مناسب سوخت را تولید کنند. از آنجا که ایران یک مقام خود را که به گفته آرژانتین در انفجار سال 1994 در یک مرکز یهودی در بوئنس آیرس که منجر به کشته شدن 80 نفر شد دست داشته است، به عنوان وزیر دفاع خود انتخاب کرده است، آرژانتین از وارد شدن به این موضوع خودداری کرده است.
حتی اگر این توافق به هم بخورد، باز هم می‌تواند قدمی اطمینان بخش در مناقشه بر سر جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران محسوب شود. اما ایران علاقه کمی به برداشتن قدم‌های درست در قم یا جاهای دیگر که نیاز به برقراری اطمینان نسبت به اهداف و پایان بخشیدن به بن‌بست وجود دارد، نشان داده است.
بازرسان به چیزی بیش از نگاه کردن به ماشین‌آلات قم نیاز دارند. آنها نیاز به دسترسی به اسناد و افراد نیز دارند. اما ایران از همکاری در موارد دیگر خودداری کرده است.
ایران همچنین به سئوالات در مورد فعالیت‌هایی که به جزیرای ساخت بمب به کار دیگری نمی آیند، پاسخ نمی‌دهد، وبیشتر به دنبال برگزاری نشست دیگری با آمریکا و سه دولت اروپایی، روسیه و چین است که سعی دارند هدف واقعی هسته‌ای آن کشور را کشف کنند

جایزه جهانی آزادی بیان برای ژیلا بنی یعقوب

ژیلا بنی‌یعقوب، روزنامه‌نگار ایرانی و روزنامه روسی نووایا گزتا مشترکاً برنده «جایزه جهانی آزادی بیان» شدند. این جایزه از سوی سازمان غیردولتی «روزنامه‌نگاران کانادایی برای آزادی بیان» به این روزنامه‌گار ایرانی و روزنامه روسی تعلق گرفته است.

در بیانیه سازمان غیردولتی «روزنامه‌نگاران کانادایی برای آزادی بیان» آمده است این سازمان مفتخر است که ژیلا بنی‌یعقوب از ایران و روزنامه روسی نووایا گزتا از روسیه را به خاطر شجاعت فوق‌العاده و غلبه بر مشکلات بزرگ برای گزارش اخبار، برنده «جایزه جهانی آزادی بیان» سال ۲۰۰۹ اعلام کند.
سازمان غیردولتی «روزنامه‌نگاران کانادایی برای آزادی بیان» ژیلا بنی‌یعقوب را روزنامه‌نگار، سردبیر و یک فعال برجسته حقوق زنان در ایران معرفی کرده است.
در این بیانیه آمده است که ژیلا بنی‌یعقوب سردبیر وب‌سایت کانون زنان ایرانی است که به مسائل زنان ایران اختصاص دارد. این بیانیه می‌افزاید ژیلا بنی‌یعقوب به دلیل فعالیت‌هایش چندین بار نیز احضار و زندانی شده است.
ژیلا بنی‌یعقوب پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به همراه همسر روزنامه‌نگارش، بهمن احمدی امویی، بازداشت شد؛ خانم بنی‌یعقوب پس از تحمل ۶۰ روز زندان با قرار وثیقه آزاد شد اما همسرش با گذشت چهار ماه همچنان در زندان به سر می‌برد.
پیش از این نیز در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ خانم بنی‌یعقوب به دست نیروهای امنیتی دستگیر شده بود.
ژیلا بنی‌یعقوب در روزنامه‌های همشهری، خرداد، آزاد، آفتاب امروز، وقایع و سرمایه نیز سابقه فعالیت داشته است.
وی یکی از اعضای «کمپین یک میلیون امضا» است و به تازگی نیز برنده جایزه «شجاعت در روزنامه‌نگاری» شد که از سوی بنیاد جهانی رسانه‌های زنان به وی اهدا شد.
روزنامه روسی نووایا گزتا نیز که «جایزه جهانی آزادی بیان» به آن نیز تعلق گرفته است، به گفته سازمان غیردولتی «روزنامه‌نگاران کانادایی برای آزادی بیان»، یکی از معدود منابع خبری مستقل در روسیه است که تاکنون چهار تن از کارکنان آن به قتل رسیده‌اند.
برپایه این بیانیه، روزنامه‌نگاران نووایا گزتا به طور مرتب مطالبی چاپ می‌کنند که دولت را نقد می‌کند و فساد و نقض حقوق بشر را عیان می‌سازد.

احکام سنگین حبس برای ۴۰ تن

کمیته گزارشگران حقوق بشر- حسام ترمسی و اکبر اجدادی دو تن از بازداشت‌شدگان وقایع پس از انتخابات که در کلیه جلسات دادگاه‌های علنی نیز حضور داشتند، از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ۲۸ و ۳۲ ماه حبس تعزیری محکوم شدند.
ترمسی و اجدادی در تاریخ ۱۰ و ۶ تیرماه در منزل و محل کارشان بازداشت شده و به بند 2- الف انتقال یافتند. آنها به مدت ۴۵ روز در سلول انفرادی نگهداری شده و پس از آن به بند ۲۴۰ منتقل شدند .
همچنین مطابق اخبار رسیده از بندهای عمومی زندان اوین، بیش از ۴۰ تن از بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات موسوم به " کف خیابانی‌ها" احکام سنگینی از ۲ تا ۴ سال حبس تعزیری دریافت کرده‌اند. این افراد که غالبا نامشان نیز در رسانه‌ها مطرح نشده، عمدتا از سوی حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران بازداشت شده و در بند 2-الف زندان اوین، نگهداری شده‌اند.
گفته می‌شود، افراد مذکور در کلیه جلسات دادگاه‌های علنی حضور داشته‌اند و قاضی صلواتی به اتهامات ایجاد رعب و وحشت و اخلال در نظم و .. احکام سنگین حبس تعزیری برای آنان صادر کرده است. اکثریت این افراد، فاقد هرگونه سابقه بازداشت و فعالیت سیاسی هستند.
طبق اخبار رسمی در وقایع پس از انتخابات بیش از ۴۰۰۰ نفر بازداشت شده‌اند. این بازداشت‌ها که همچنان ادامه دارد، بطور عمده تحت‌نظر وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه صورت گرفته است.

هم‌اکنون شمار زیادی از بازداشت‌شدگان همچنان در زندان اوین نگه‌داری می‌شوند و برای بسیاری از آنان حکم زندان صادر شده است

سیامک پورزند در بیمارستان

سیامک پورزند روزنامه‌نگار و فعال فرهنگی و از قربانیان پروژه‌های اعترافگیری دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی به دلیل وخامت حالش در بیمارستان ایران مهر تهران بستری شد.
لیلی و آزاده پورزند دختران این روزنامه‌نگار ۷۸ ساله می‌گویند که آقای پورزند روز پنجشنبه ۳۰ مهر ماه به دلیل وخامت وضع جسمی و روحی به بیمارستان ایران مهر منتقل شده است.
آنها همچنین تأکید کرده‌اند که »این روزنامه‌نگار زندان‌کشیده سالخورده در دوری اجباری از فرزندانش در تنهایی مطلق به سر می‌برد.«
سیامک پورزند، از جمله قربانیان »پروژه‌های اعترافسازی «دستگاه اطلاعات موازی در ایران به شمار می‌رود که در اواخر پاییز ۱۳۸۰ بازداشت شد.
وی پس از ماه‌ها تحمل سلول انفرادی و شکنجه‌های جسمی و روحی در یکی از بازداشتگاه‌های مخفی مجموعه‌ای از نهادهای امنیتی که در آن سال‌ها با عنوان کلی »دستگاه اطلاعات موازی «علیه جنبش اصلاح‌طلبی، دولت محمد خاتمی و روشنفکران و هنرمندان فعالیت می‌کردند.
سیامک پورزند پس از نزدیک به یک سال که به کلی از حق داشتن وکیل و ملاقات با خانواده و همچنین همسرش مهرانگیز کار وکیل، حقوقدان و فعال حقوق بشر محروم بود در نهایت به »اعترافات اجباری «وادار شد.
فیلم اعترافات اجباری آقای پورزند ماه‌ها بعد در اواخر تابستان سال ۸۱ بارها از تلویزیون رسمی جمهوری اسلامی پخش شد و اعترافات اجباری سیامک پورزند حتی مورد استناد آیت‌الله علی خامنه‌ای نیز قرار گرفت.
وی پس از آن در دادگاهی غیرعلنی محاکمه و به هشت سال زندان محکوم شد اما مدتی بعد به وخامت حال او که در ۷۱ سالگی همچنان در بازداشت بود به بیمارستان منتقل و تحت تدابیر امنیتی به منزلش منتقل شد.
در اسفند سال ۸۲ و در جریان بازداشت شماری از نویسندگان و منتقدان سینمایی سیامک پورزند بار دیگر بازداشت و به زندان اوین منتقل شد و ماه‌ها بعد در حالی از زندان آزاد شد که همسرش مهرانگیز کار و دخترانش پس از ماجرای بازداشت او، مجبور به ترک وطن شده بودند.
سیامک پورزند، به رغم گذشت هشت سال از بازداشت، هرگز اجازه خروج از کشور را نیافت و تحت فشار نهادهای امنیتی به زندگی دور از خانواده‌اش و آنگونه که دخترانش اعلام کرده‌اند »در تنهایی مطلق «در ایران ادامه داده است.
سازمان گزارشگران بدون مرز در هشت سال گذشته بارها با انتشار بیانیه‌هایی از تداوم فشار نهادهای امنیتی بر این روزنامه‌نگار سالخورده و ادامه معالجه سیامک پورزند در شرایطی انسانی شده است.
مهرانگیز کار درباره آنچه در هشت سال اخیر بر این روزنامه‌نگار ۷۸ ساله گذشته پیشتر اعلام کرده بود که »او هنوز که هنوز است، زندانی سیاسی است و ظاهراً در مرخصی به دلیل کهولت سن به سر می‌برد.«

۱۹ نفر از بازداشت شدگان دعای کمیل در اوین هستند

از میان بازداشت شدگان مراسم دعای کمیل که پنج شنبه شب برای آزادی زندانیان سیاسی برگزار شده بود، 19 نفر هنوز در بازداشت هستند. به گزارش نوروز، این 19 نفر از بازداشتگاه موقت به زندان اوین منتقل شده اند.
اسامی آنها بدین شرح است:
میثم وره چهر، عضو شاخه دانشجویی جبهه مشارکت
2- محمدحسن خوربک، عضو شاخه دانشجویی جبهه مشارکت
3- اسماعیل صحابه، عضو شاخه دانشجویی جبهه مشارکت
4- تقی رمضان زاده، برادر عبدالله رمضان زاده
5- شیرکوند، پسر سعید شیرکوند
6- سعید نورمحمدی، عضو شاخه جبهه مشارکت
7- داور میر، رئیس کمیته روستایی ستاد مهندس موسوی و نائب رئیس جبهه مشارکت کرج
8- عطا تهرانچی
9- سعید قریشی
10- ایمان میراب زاده
11- امید میراب زاده
12- اشکان مجللی
13- محمد کیانوش راد
14- محمد شکوهی
15- هادی حیدری

16- امین شیرزاد
17- مهدیه مینوی
18- محبوبه حقیقی
19- محمدجواد مظفری
یادآور می شود، در هجوم نیروهای امنیتی به مراسم دعای کمیل که در منزل پدر همسر شهاب طباطبایی، عضو در بند شورای مرکزی جبهه مشارکت برگزار شده بود، 71 نفر از مردم مومن که در مراسم دعا حضور داشتند، بازداشت شدند.

واقعا چند نفر بعد ا ز کودتا کشته شدند؟

بابک قهاری

معروف است که دروغگو فراموشکار می شود .با گذشت بیش از پنج ماه از انتخابات هنوز کودتاچیان آمارهای ضد و نقیضی از جانباختگان می دهند.
1.یکی از بنگاههای خبری حامی محمود احمدی نژاد: "در حالی که آمار کشته و زخمیها و تعداد افراد بازداشت شده به سوژه داغ توهمات(!) ضد انقلاب تبدیل شده است و همه آنها با موضعی هماهنگ اعلام میکنند که آمار کشته شدگان بسیار بیشتر از آنچه که جمهوری اسلامی میگوید(جمهوری اسلامی چه موقع رسما آمار داده است؟) است اما اعلام نظر مقامات مسئول نشان میدهد که در این مورد هم به مانند حادثه کوی دانشگاه سال 78 و ماجرای چند شهید ساختگی(!) آمار واقعی چیزی جدای این شایعات است. بر همین اساس، کشته شدگان قطعی حوادث اخیر نیز 33 نفر(الان شما داری آمار رسمی جمهوری اسلامی را اعلام میکنی؟!) هستند که بر خلاف القای رسانههای بیگانه که همه آنها را فدایی راه خود معرفی میکنند، بیشتر آنها متاسفانه از نیروهای انتظامی، بسیج و تعدادی از معترضین و عابرین عادی بودهاند و فقط تعداد انگشت شماری از آنها آشوبگر (!) بوده اند".
2.مرتضی تمدن، استاندار تهران، تعداد کشتهشدگان در حوادث اخیر تهران را 26 نفر اعلام کرد!
3.محمدعلی جعفری، فرمانده سپاه پاسداران، تعداد کشتهشدگان را 29 نفر اعلام کرد! به گفته وی از این تعداد 13 نفر بسیجی، هفت نفر نیروهای مردمی حامی بسیج و 9 نفر معارضین بودهاند! وی افزود: "مقایسه تعداد شهدای بسیجی که حدود 13 نفر بودند و حدود 6، 7 نفر از نیروهای مردمی عادی که بعضاً سابقه بسیجی داشته و برای کمک به صحنه آمده بودند و به وسیله ایادی دشمنان و منافقین با ترورهای کور به شهادت رسیدند با 9 نفر کشته نیروهای معارض و عواملی که به مقرهای نظامی حمله و به تخریب اموال عمومی پرداختند، نشان میدهد به رغم گستردگی زیاد این فتنه، نیروهای امنیتی و انتظامی نظام و بسیج توجه خاصی به مردم و حفظ جان مردم و ایجاد آرامش و امنیت داشتند و تلفات نیروهای خودی نیز به خاطر توجه ویژه نیروهای امنیتی و بسیج به این مهم بود!".
4.حسین طائب، فرمانده سابق نیروی مقاومت بسیج: 7 نفر بسیجی در وقایع اخیر کشته شده اند!
5.عزیزالله رجبزاده، رئیس پلیس تهران: با درایت از نظام دفاع کردیم، بدون اینکه یک نفر از آشوبگران را بکشیم!
6.محمود احمدینژاد، در سفر اخیرش به نیویورک و در مصاحبه با تلویزیون بلومبرگ : "در حوادث پس از انتخابات بعضی از هموطنان کشته شدند، حدود 30 نفر، بیشتر اینها هواداران دولت بودند، از مردم عادی بودند، در مغازه یا ماشین خودشان، در حال خرید یا مهمانی رفتن بودند و طرفدار دولت بودند. حتی آقای روحالامینی که متاسفانه فرزندشان کشته شد، از دوستان خود من هستند و ما با هم دوست هستیم." (با تشکر از توضیحاتی که در مورد دوستی با پدر شهید روحالامینی دادید)
7.محمدحسین صفارهرندی، وزیر سابق ارشاد در دولت نهم: "در حوادث بعد از انتخابات 40 نفر کشته شدند که از این تعداد، 10 نفر بسیجی، 20 نفر از مردم عادی و 10 نفر نیز از معترضین بودند که معلوم نیست به دست چه کسانی کشته شده اند!".
همانطور که مشاهده میکنید نه تنها آمار دقیقی از کشتهشدگان مردمی از طرف مراجع رسمی اعلام نمیشود، بلکه مسولین امر حتی آمار دقیقی از کشته شدگان نیروهای خودی (بسیج) نیز در دست ندارند! در عین حال این آمارهای متعدد از کشتهشدگان بسیجی در حالی اعلام میشود که تا به حال جز یک مورد، یعنی مرحوم کبیری، نام دیگری شنیده نشده است.
زمانی که مسولین اینقدر اصرار دارند که کشته شدگان حوادث بعد از انتخابات را از هواداران خود معرفی کنند، در حالی که در روزهای اولیه بعد از انتخابات خود مردم نظاره گر واقعیات از نزدیک بودند، چطور میتوان انتظار داشت که حتی اگر این همه شواهد و مدارک نیز وجود نداشت مردم از این دروغهای مکرر و عادی شده چشم بپوشند و نتایج اعلام شده در مورد انتخابات را صحیح بدانند؟! در حالیکه نمایندگان کاندیداها اجازه حضور در هنگام تجمیع نداشته اند و کسی نمیداند که در طی 10 روز تا اعلام آمار دقیق صندوقها چه بر سر آرا آمده است !

در جستجوی معنای پرتاب "لنگه کفش"

مرتضی اصلاحچی

دنبال کردن ماجرای پرتاب کفش آنگاه جالب و هیجان انگیز می شود که هر بار پرتاب کفش معنای مختلف می یابد برای برخی رسانه ها؛ کفش پرت کن به سوی جرج بوش قهرمان می شود. کفش پرت کن به سوی صفار هرندی بی فرهنگی نامیده می شود که با اقدام سخیف خود میزان مدنیت خویش را اثبات کرده است و پرتاب کفش های پی در پی به سمت مهدی کروبی اقدامی انقلابی در پاسخ به رفتارهای ضد میهنی او تفسیر می شود.

اپیزود اول؛ منتظر الزیدی قهرمانی جهانی

در واپسین روزهای آذر ماه سال گذشته زمانی که جرج بوش در آخرین روزهای ریاست جمهوری اش برای آخرین بار راهی عراق شده بود تا از این کشور جنگ زده بازدید کند اما اتفاقی رخ داد که به سرعت تبدیل به خبر یک تمام رسانه های دنیا گردید؛ خبرنگاری عراقی کفش های خود را به سمت جرج بوش پرتاب کرد.

"منتظرالزیدی" خبرنگار شبکه تلویزیونی بغدادیه در هنگام مصاحبه مطبوعاتی بوش و المالکی در حالی که دشنام گویان، رییس جمهور امریکا را به سگ تشبیه کرد جفت لنگه کفش هایش را از پا در آورد و آنها را یکی پس از دیگری به سوی بوش پرتاب کرد. جرج بوش اما که از نسل گاوچران های تگزاس است با چالاکی تمام جاخالی داد تا هیچ کدام از دو کفش پرت شده به صورتش برخورد نکند.

او تلاش کرد تا اعتماد به نفس خود را حفظ کند و زمانی که ماموران نخست وزیری عراق خبرنگار عراقی را که به "کفش پرت کن" شهرت یافت از سالن خارج می کردند گفت:« ازاین گونه حوادث در برنامه های مختلف اتفاق می افتد و من متعجب نیستم.» بوش همچنین اینگونه حوادث را نمونه ای از وجود دموکراسی دانست.

کفش پرت کن عراقی اما در شرایطی که در بازداشت به سر می برد به سرعت تبدیل به نمادی از مخالفت مردم عراق با حمله نظامی آمریکا به این کشور گردید و در کشورهای اسلامی و جهان سوم تا حد یک قهرمان شان و منزلت پیدا کرد.

ایران نیز از سایر ممالک اسلامی مستثنی نبود و رسانه های دولتی از او یک قهرمان ساختند و با آب و تاب اخبار مربوط به اقدام الزیدی را منعکس نموده و از او تجلیل کردند. رسانه هایی همچون "فارس" "ایرنا"، "کیهان" و... این اقدام خبرنگار عراقی را مستحق پاداشی در خورد دانستند.

پس از این اقدام "لنگه کفش" به سرعت تبدیل به نمادی از مبارزه شد و در تجمعات بسیاری به صورت سمبلیک حضور پیدا کرد. و حتی در ا یران مسابقاتی در قالب پرتاب کفش به سوی تمثال بوش برگزار گردید تا خاطره حرکت خبرنگار عراقی زنده بماند.

در این راستا در دی ماه سال 87 برخی نهادها از مسابقه پرتاب کفش به عکس بوش اطلاع داند که در حاشیه نماز جمعه برگزار خواهد شد. در یکی از این اطلاعیه ها آمده بود: «در راستای حمایت از حرکت قهرمانانه خبرنگار شجاع عراقی (منتظر الزیدی) در پرتاب کفش خود به سمت شیطان بزرگ و با هدف همراهی با این حرکت زیبا و ضد استکباری و همچنین ابراز خشم و کینه انقلابی علیه استکبار، تربیت بدنی سپاه محمد رسول‌الله (ص) تهران بزرگ مسابقه پرتاب کفش را برگزار می‌کند.»

از دیگر سو همچنین قائم مقام وزارت علوم ایران خبر داد که وزارت علوم و دانشگاه پیام نور از منتظرالزیدی خبرنگار عراقی که در اقدامی جسورانه مخالفت خود را با رئیس جمهور سابق آمریکا نشان داد حمایت کرده و او را در یکی از دانشگاهها بورسیه تحصیلی خواهد کرد.

این اقدام خبرنگار عراقی اینقدر احساسات برخی ایرانی ها را تهییج کرده بود که حتی علیرضا غزوه شعری در مدح او بسراید و چنین بگوید: کفشی به او نخورد/ ولی مُرد/ و پیش از آن که بمیرد/ در نطق بچگانه خود گفت/ که نمره ات 10 بود/ اما تو 20 گرفتی المنتظر!

اگرچه برخی رسانه های ایرانی پرتاب کفش به سوی بوش را عملی قهرمانانه، ضد استکباری، آزادی خواهانه و... توصیف می کردند اما گمان نمی برند که این عمل در کمتر از یکسال ممکن است چندان رواج پیدا کند که حتی در ایران نیز کاربرد پیدا کرده و به سمت سیاستمداران وطنی نیز لنگه کفشی پرتاب شود.

اپیزود دوم؛ کفش پرت کن به سوی صفار، بی فرهنگی کم آورده

در 27 مهر ماه امسال زمانی که وزیر فرهنگ ارشاد دولت نهم برای شرکت در نشست "سوء تفاهم بزرگ" به دانشگاه تهران رفته بود شاهد پرتاب لنگه کفش به سوی خود بود.

پرتاب کننده این لنگه کفش اما قدرت بازویی همچون خبرنگار عراقی نداشت چراکه کفش او در میانه راه پیش از آنکه به صفار هرندی برسد روی سر یک دختر فرود آمد. این کفش پرت کن وطنی اما از بختی همچون منتظر الزیدی برخوردار نبود چراکه هیچ کسی او را قهرمان ندانست و رسانه هایی که خبرنگار عراقی را به خاطر پرتاب کفش به بوش قهرمان کرده بودند کفش پرت کن ایرانی را به خاطر پرتاب کفش به سمت صفار هرندی شخص بی فرهنگی توصیف کردند که در برابر استدلالات منطقی صفار کم آورده است.

خود صفار نیز در همان نشست آن لنگه کفش کذایی را در دست گرفت و گفت: «لطفا علامت مدنیت نفرستید.»! پس از این صحبت صفار دانشجویان بسیجی بلافاصله شعار دادند: «آزادی اندیشه با لنگه کفش نمی شه.»

پس از ان نیز رسانه های مختلف حامی دولت با انتشار گسترده این خبر و چاپ عکس صفار هرندی که خنده کنان لنگه کفش را در دست گرفته بود این اقدام را به کل مخالفان دولت تعمیم داده و آنرا نشانی از سطح فرهنگ و مدنیت و بینش آنها قلمداد کردند.

اپیزود سوم؛ کروبی، منافقی که لنگه کفش حقش بود

هنوز مدت زمان زیادی از پرتاب کفش به سوی صفار هرندی نگذشته بود که اقدام مشابهی صورت گرفت، اینبار اما مهدی کروبی هدف پرتاب کفش قرار گرفت و او که همچون بوش وصفار هرندی بخت یار نبود مورد اصابت قرار گرفت و سرش بر اثر برخورد این لنگه کفش خونین شد.

روز گذشته زمانی که مهدی کروبی برای بازدید از نمایشگاه مطبوعات به مصلای تهران رفته بود شاهد تجمع موافقان و مخالفان خود بود. او در این حضور از سوی مخالفان خود مورد حمله قرار گرفت و عمامه از سرش افتاد و در نهایت سر بی عمامه اش مورد اصابت کفش قرار گرفته و خونین شد.

خبرگزاری حامی دولت فارس که سال گذشته پرتاب کفش به سوی بوش را عملی قهرمانانه، پرتاب کفش به سوی صفار هرندی را عملی مذبوحانه و ناشی از بی فرهنگی قلمداد کرده بود درباره برخورد با کروبی اینگونه می نویسد: «کروبی در دقایق ابتدایی حضور خود در نمایشگاه مطبوعات با خیل مردمی روبه رو شد که از او با شعارهای مرگ بر منافق و مرگ بر ضد ولایت فقیه استقبال می‌کردند. حجم شعارها بر علیه کاندیدای شکست خورده دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم به حدی بود که وی مجبور شد از همان ابتدای نمایشگاه راه خود را کج کرده و به دنبال درب خروج باشد. اما در این بین نیز با شعارهای «مرگ بر دروغگو» و «مرگ بر منافق» حاضرین در نمایشگاه روبه رو شد.»

فارس ادامه می دهد: «مهدی کروبی بعد از حضور چند دقیقه ای در نمایشگاه از طبقه دوم مصلی خارج شد. کروبی در پی هجوم برخی افراد به سمت وی و پرتاب لنگه کفش به طرف او مجبور شد بدون عمامه مصلی را ترک کند.»

این خبرگزاری در تحلیل از پرتاب کفش به سوی کروبی می نویسد: «در این بین نهضت لنگه کفش نیز به راه افتاد و جمعیت خشمگین حاضر با پرتاب کردن لنگه کفش‌های پی‌درپی به سبك "منتظرالزیدی " به سوی کروبی، اقدامات اخیر وی که موجب صدمه دیدن و کشته شدن جمعی از جوانان کشور شده بود را پاسخ می‌گفتند.»

اکنون این سوال پیش می آید که چرا و چگونه سه پرتاب کفش به سوی سه شخص مختلف از سوی برخی رسانه ها واکنش های متفاوتی می یابد. کفش پرت کن به سوی جرج بوش قهرمانی می شود که دانشگاه های ایران حاضرند به او بورس تحصیلی بدهند و در تقلید از اقدام او مسابقه برگزار می شود. کفش پرت کن به سوی صفار هرندی بی فرهنگی نامیده می شود که با اقدام سخیف خود میزان مدنیت خویش را اثبات کرده است و پرتاب کفش های پی در پی به سمت مهدی کروبی اقدامی انقلابی در پاسخ به رفتارهای ضد میهنی او تفسیر می شود.

فارغ از مسئله قابل تامل مواجهه متغیر و متضاد برخی رسانه ها و جریان ها با اقدام مشابه پرتاب کفش به سوی شخصیت های سیاسی به نظر می رسد که پرتاب کفش به نشانه اعتراض کم کم دارد به امری جا افتاده در منازعات سیاسی تبدیل می گردد بنابراین لازم است کسانی که احتمال می رود در معرض پرتاب کفش قرار بگیرند یا همچون جرج بوش بدن خود را ورزیده و چالاک کنند تا به موقع جا خالی دهند و یا همچون صفار هرندی فاصله مطمئن با مخالفین را حفظ کنند که کفش به آنها نرسد، چون در غیر این صورت همچون مهدی کروبی کفش با صورت آنان برخورد خواهد کرد.

منبع : فرا رو

ماجرای یک لنگه کفش از بغداد تا تهران

نفیسه زارع کهن

می گویند تاریخ دوبار تکرار می شود یک باردر قالب یک تراژدی و بار دیگر کمدی.و این اتفاق برای یک لنگه کفش هم افتاد لنگه کفشی که زمانی به اندازه دوسال را پشت سر گذاشت تا از دستان بوش رییس جمهور سابق امریکا بگذرد و بیاید و بنشیند در دستان محمد حسین صفارهرندی وزیر سابق ارشاد.

هرچند که چند تفاوت داشت داستان این لنگه کفش در ایران و آن لنگه کفش در عراق.آن یکی در یک کنفرانس خبری از دستان یک خبرنگار به نام منتظرالزیدی به سوی بوش پرتاب شد و این یکی در دانشگاه تهران و از سوی یک دانشجوی معترض که سوالش بی جواب مانده بود به سوی صفارهرندی.

آن روزها این حادثه در عراق از نگاه بسیاری رنگ کمدی به خود گرفت و همه خندیدند که به چه عالی این لنگه کفش پاسخی بود به جنایات امریکا در عراق و خیلی کشورها از جمله ایران این اقدام را تایید کردند.

اگرچه این تاییدات سودی برای ان خبرنگار نداشت و پاسخ الزیدی کمدی نبود که به دو سال زندان محکوم شد، چرا که قانون کشور عراق جرم او را توهین به رییس یک دولت خواند.

و این مجازات پایان کار لنگه کفش سرگردان در هوا نبود که دست روزگار گشت و گشت و او را آورد و اورد تا دانشگاه تهران جایی که محمد حسین صفار هرندی رییس سابق وزراتخانه ارشاد دولت اول محمود احمدی نژاد آمده بود تا در جمع دانشجویان و در برنامه ای درباره انتخابات و حوادث پس از آن سخن بگوید.

چنین بود که او بدون ارائه منبع مشخصی تعداد بسیجیان کشته شده در حوادث پس از انتخابات را ده نفر معرفی کرد و طی سخنانی گفت: امروز که موسوي سكوت چند ساله خود را شكست بايد ممنون احمدي نژاد باشد كه چنين شرايطي را براي او فراهم كرده است.

او سپس پرسید که "چرا آقاي موسوي به رغم دعوت‌هاي مكرري كه از او مي‌شد در انتخابات شركت نمي‌كرد و اين بار آمد؟ آقاي موسوي جواب اين سوال را خود اينگونه داده و مي‌گفت كه من بيايم در شرايطي كه جامعه پذيرش جريان انقلابي را ندارد؟ چرا موسوي در سال 88 تجديدنظر كرد و اين بار تقاضاي طرفدارانش را پذيرفت؟ در واقع اين بار احساس مي‌كرد كه شرايط براي تجديد يك دولت انقلابي مساعد است. چه كسي اين شرايط را به وجود آورد جز دولت نهم يعني آقاي احمدي‌نژاد؟"

و این گفته کافی بود تا وزیر ارشاد دولت نهم هم همچون دیگر هوادران دولتی که تا کنون با حضور در دانشگاه ها با اعتراض روبرو شده اند با اعتراض روبرو شود و همان لنگه کفش معروف روانه شود به سمت او؛ لنگه کفشی که دیگر پرتابش جنبه کمدی نداشت که این بار وجهی از تراژدی را به دوش می کشید. چه آن قدرشبهات و سوالات بی پاسخ مانده است و چنان بی به اعتراضات پس از انتخابات نگاه توطئه آمیز انداخته می شود و معترضان از ابادی ! استکبار خوانده می شوند که قشر فرهیخته جامعه را نیز ناچاربه پرتاب کفش کرده است، اقدامی که حتی ان روز که جنبه کمدی داشت هم تراژدی بود.

آن روز از نگاه جامعه شناسی و روانشناسی این اقدام چنان پسندیده نبود و اکنون هم اگرچه باید به سوالات، شبهات و اعتراضات دانشجویان و البته تمام جامعه با دید احترام نگریست باز هم پسندیده نیست. چه اگر آن روز این اقدام تقبیح می شداکنون چنین برداشتی از ان صورت نمی گرفت و هواداران محترم دولت در همان چاله ای نمی افتادند که دیگران را به کندنش تشویق می کردند.

Ace2 in the Hole

نقد اخلاقی نظریه ولایت فقیه

آرش نراقی

موضوع گفتار من در اینجا نقد اخلاقی نظریه ولایت مطلقه فقیه است. در واقع ادعای من این است که نظریه ولایت مطلقه فقیه نهایتاً به نوعی "فایده گرایی لگام گسیخته" می انجامد که با بی اخلاقی فاصله ای ندارد.

۱. دو قرائت از نظریه ولایت فقیه: نظریه ولایت فقیه به روایت آیت الله خمینی مبنای نظری و عملی جمهوری اسلامی بشمار می رود و دست کم دو قرائت مهم یافته است. در اینجا مایلم به اختصار ارکان این دو قرائت را بیان کنم، و سپس قرائت دوّم را که همان نظریه ولایت مطلقه فقیه است از منظر اخلاقی مورد بررسی قرار دهم.

قرائت نخست: آیت الله خمینی این قرائت را سالها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و در ایام تبعید در نجف ارائه کرد. برخی از مفروضات مهم این قرائت را می توان به قرار زیر برشمرد:

(۱) مطابق این قرائت، فقه کامل است، یعنی می تواند برای تمام مشکلات بشر راه حل ارائه کند.

(۲) وظیفه حکومت اسلامی چیزی نیست جز اجرای احکام شریعت. به بیان دیگر، تأسیس حکومت اسلامی و مهمترین نقش آن چیزی نیست جز اجرا و تحقق احکام شریعت یا فقه.

(۳) بنابراین، حاکم اسلامی باید متخصص در علم فقه، یعنی فقیه، باشد. حکومت از آن فقیهان است.

(۴) وظیفه حاکم اسلامی، یا ولی فقیه، فهم و اجرای شریعت است، نه چیزی بیش از آن. به بیان دیگر، ولایت از آن فقه است نه ولی فقیه.

قرائت دوّم: اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس حکومت جمهوری اسلامی، آیت الله خمینی، در مقام یک مدیر سیاسی، بخوبی از کاستیهای فقه سنتی در تدبیر امور عرصه عمومی آگاه شد. و از اینرو پس از چندی قرائت تازه ای از نظریه ولایت فقیه عرضه کرد: ولایت مطلقه فقیه. این قرائت دوّم است که هم اکنون مبنای نظری و عملی جمهوری اسلامی است. پاره ای از مفروضات مهم قرائت دوّم به قرار زیر است:

(۱) مطابق این قرائت، فقه مصطلح در حوزه های علمیه برای تدبیر امور عرصه عمومی کافی و کامل نیست.

(۲) استقرار و استحکام "نظام" اوجب واجبات است. در اینجا مقصود از "نظام" همانا "نظام سیاسی" یا به بیان روشنتر، "جمهوری اسلامی" است. بنابراین، هرگاه میان "مصلحت نظام" و احکام شرع تعارضی رخ دهد، "مصلحت نظام" (به حکم شرع) بر التزام به احکام جاری شرع تقدم می یابد.

(۳) حاکم حکومت اسلامی نه تنها متخصص در علم فقه است، بلکه مهمتر و بالاتر از آن، مسؤولیت نهایی تشخیص مصلحت نظام را برعهده دارد. و تشخیص او نهایتاً معین می کند که آیا حکم شرع را می توان به حکم مصلحت نظام تعطیل کرد یا نه.

(۴) وظیفه اصلی حاکم اسلامی حفظ نظام است، و اگر التزام به احکام شریعت موجودیت نظام را به مخاطره بیفکند یا در تدبیر امور آن اختلال ایجاد کند، ولی فقیه می تواند آن احکام را به حکم مصلحت تعطیل نماید. بنابراین، در اینجا ولایت با فقه نیست با فقیه است. به بیان دیگر، یکی از مهمترین شؤون پیامبر (یعنی تشریع) به ولی فقیه منتقل می شود، او در مقام شارع یا قانونگذار می نشیند، و می تواند به اقتضای مصلحت احکام تازه تشریع کند یا احکام پیشین را نسخ نماید. او منشأ قانون می شود. حکم و تشخیص او عین قانون جامعه اسلامی است، و تمام نهادها از جمله نهاد قانونگذاری، اولاً- به اذن او حکمشان نافذ و مشروع می شود؛ ثانیاً- حکم آن نهادها فقط در شعاع جواز و اذن او مشروع و مطاع است.

۲. رابطه فقه و اخلاق: در نظامهای عرفی تمایز آشکاری میان حکم قانون و حکم اخلاق وجود دارد. هر آنچه قانونی است لزوماً اخلاقی نیست. برای مثال، در مقطعی از تاریخ آمریکا، برده داری قانوناً مجاز بود، اما این به آن معنا نیست که این نهاد از منظر اخلاقی هم موّجه و دفاع پذیر بوده است. یا برای مثال، امروزه در جامعه ایرانی حکم سنگسار یا سایر اشکال مجازاتهای خشونت آمیز قانونی است، اما این امر لزوماً به معنای اخلاقی بودن این شیوه های مجازات نیست. از سوی دیگر، هر آنچه اخلاقی است لزوماً قانونی نیست. برای مثال، بسیاری افراد استدلال می کنند که مصرف زیاد گوشت حیوانات اخلاقاً مذموم است، اما این بدان معنا نیست که قانون لزوماً باید مصرف گوشت را ممنوع اعلام کند.

اما در چارچوب فقه شیعی (و به طور کلّی فقه اسلامی) تمایز روشنی میان امرشرعی/قانونی از یک سو و امر اخلاقی از سوی دیگر وجود ندارد. "امر شرعی" هم به معنای امر قانونی تلقی می شود و هم به معنای امر اخلاقی: آنچه شرعاً حرام است، اخلاقاً هم مذموم تلقی می شود، و آنچه شرعاً واجب است، وظیفه اخلاقی هم بشمار می رود. برای مثال، در این نظام حقوقی، روزه خواری هم اخلاقاً مذموم تلقی می شود و هم قانوناً ممنوع و درخور مجازات است. ریشه این پیوند نزدیک میان امر شرعی/قانونی و امر اخلاقی را باید در تلقی اشاعره از ماهیت خوب و بد اخلاقی جست. مطابق رأی اشاعره، که عملاً بر ذهنیت شیعی نیز غلبه یافته است، خوب و بد امور تاحدّ زیادی تابع اوامر و نواهی الهی است. اگر خداوند به انجام کاری امر کند، انجام آن کار شرعاً بر ما واجب می شود، یعنی سرپیچی از آن هم موجب حدّ یا تعزیرقانونی است و هم اخلاقاً کاری ناپسند بشمار می آید. بنابراین، در این چارچوب فاصله روشنی میان امر قانونی و امر اخلاقی وجود ندارد.

به محض آنکه قائلان به نظریه ولایت مطلقه فقیه ولی فقیه را در مقام شارع، منشأ و واضع شریعت و قانون بدانند، در واقع تلویحاً یا تصریحاً حکم و تشخیص او را مبنای اخلاق نیز بشمار آورده اند. به بیان دیگر، اگر ولی فقیه امر الف را به مصلحت نظام تشخیص دهد، انجام امر الف نه فقط قانوناً بلکه بالاتر از آن، اخلاقاً بر مؤمنان و مقلدان واجب می شود. بنابراین، در چارچوب نظریه ولایت مطلقه فقیه، نیک و بد امور تابع مصلحت نظام، و مصلحت نظام تابع تشخیص و حکم ولی فقیه است. تشخیص و حکم ولی فقیه نه فقط مبنای تشریع قانون که مبنای حکم اخلاقی هم بشمار می رود. از منظر اخلاقی، تفاوت نظریه ولایت مطلقه فقیه و نظریه اخلاق اشاعره، از جمله در آن است که نزد اشاعره این حکم و اراده خداوند است که معیار حسن و قبح اخلاقی است، اما در نظریه ولایت فقیه، این تشخیص و مصلحت سنجی ولی فقیه است که خوبی یا بدی امور را تعیین می کند. بنابراین، در اینجا هیچ عملی در ذات خود خوب یا بد نیست. حسن و قبح امور یکسره تابع مصلحتی است که تشخیص آن بر عهده ولی فقیه است.

۳. اخلاق برآمده از نظریه ولایت مطلقه فقیه: بر این مبنا می توان آشکارا دید که اخلاق برآمده از نظریه ولایت مطلقه فقیه نوعی "مصلحت گرایی لگام گسیخته" است.
اما چرا باید این اخلاق را از جنس اخلاقهای مصلحت گرایانه یا فایده گرایانه دانست؟ اخلاق برآمده از ولایت مطلقه از جنس اخلاقهای فایده گرایانه است چرا که مطابق آن، معیار نهایی تعیین خوب و بد امور را نوعی "مصلحت" یا "فایده" (یعنی "مصلحت نظام") تعیین می کند. اما "مصلحت گرایی" یا "فایده گرایی" مندرج در نظریه ولایت مطلقه فقیه با نظریه های اخلاقی فایده گرایانه کسانی مانند بنتام و جان استیوارت میل تفاوتهای مهمی دارد. در اینجا مایلم به سه تفاوت مهم اشاره کنم:

(تفاوت اوّل) نزد فایده گرایانی نظیر میل، معیار نهایی تعیین خوب و بد اخلاقی "خیر یا مصلحت عمومی" است. عمل اخلاقاً نیکو عملی است که بهترین پیامد را برای بیشترین شمار مردم به بارمی آورد. اما در نظریه ولایت مطلقه فقیه مقصود از "مصلحت" خیر یا منفعت عمومی نیست، مقصود "مصلحت نظام" است، یعنی عملی که انجام آن، به تشخیص ولی فقیه، برای حفظ و بقای نظام جمهوری اسلامی ضروری است.

(تفاوت دوّم) نزد فایده گرایانی مانند میل، آحاد مردم و خیر و مصلحت آنها ارزش یکسان و برابر دارد. بنابراین، در مقام محاسبه سود و زیان یک عمل، خیر و مصلحت تمام کسانی که از آن عمل تأثیر می پذیرند هم ارز تلقی می شود. اما در نظریه ولایت مطلقه فقیه، گروههای مختلف مردم و خیر و مصلحت شان از ارزش یکسان برخوردار نیست. پاره ای از این تبعیضها در احکام فقه سنتی ریشه دارد (مانند نابرابریهای حقوقی میان زنان و مردان، مسلمانان و غیر مسلمانان، و غیره)، و پاره ای از آن تبعیضها ریشه در ملاحظات سیاسی دارد (برای مثال، کسانی که به حکومت نزدیکتر و به آن وفادارترند شهروندان درجه اوّل بشمار می آیند، و کسانی که در وفاداری آنها به حکومت تردید است، یا اندیشه های آنها با ایدئولوژی رسمی حکومت ناسازگار است، شهروندان درجه دوّم و درجه چندم بشمار می آیند.) در چارچوب نظریه ولایت مطلقه فقیه، خیر و مصلحت شهروندان درجه اوّل است که در واقع مهم تلقی می شود نه خیر و مصلحت شهروندان درجه چندم.

(تفاوت سوّم) نزد فایده گرایانی مانند میل، تشخیص مصلحت یا خیر عمومی عمدتاً به خرد جمعی واگذار می شود، اما در نظریه ولایت مطلقه فقیه، این نه خرد جمعی که تشخیص فرد ولی فقیه است که معیار نهایی تشخیص مصلحت و مفسدت بشمار می رود.
اما چرا این مصلحت گرایی را باید "لگام گسیخته" دانست؟ مصلحت گرایی برآمده از ولایت مطلقه فقیه به این معنا "لگام گسیخته" است که به هیچ قیدی مقید نیست. در چارچوب این نظریه، خوب و بد امور یکسره در گرو تشخیص و تصمیم ولی فقیه است، و هیچ قید مستقلی دامنه تشخیصها و تصمیمات ولی فقیه را مقید نمی کند: هرچه آن خسرو کند شیرین کند! اگر ولی فقیه تشخیص دهد که دروغ گفتن، بهتان زدن، تقلب کردن، ریختن خون بیگناهان، یا تجاوز جنسی به منتقدان، برای حفظ پایه های نظام ضروری است، در آن صورت انجام این اعمال اخلاقاً برای مؤمنان و مقلّدان مجاز، و بلکه واجب می شود. اما نظام اخلاقی ای که در آن دروغ گفتن، بهتان زدن، تجاوز جنسی، قتل انسان بیگناه، اضرار به غیر، و امثال آنها مجاز باشد عین بی اخلاقی است. زندگی بر مبنای این نوع مصلحت گرایی لگام گسیخته نهایتاً با بی اخلاقی یا هرج و مرج و آنارشی اخلاقی فاصله ای ندارد. اخلاق برآمده از نظریه ولایت مطلقه فقیه در نهایت نوعی بی اخلاقی مقدس مآبانه از کار درمی آید.

۴. اخلاقی کردن سیاست: در واقع نظریه ولایت مطلقه فقیه را باید از جمله عوامل بحران و هرج و مرج اخلاقی در جامعه ایرانی بشمار آورد. در جامعه ای که صاحبان قدرت رسماً برای حفظ مصلحت، یعنی حفظ پایه های قدرت خود، انجام هر کاری را روا می دانند و حقوق انسانی گروههای غیرخودی را بی مهابا نقض می کنند، اخلاقی زیستن کاری بغایت دشوار است.
به گمان من برای مقابله با زوال اخلاقی دامنگیر در عرصه سیاست ایران پیش و بیش از هر چیز باید امر حقوق بشر جدّی تلقی شود. هدف، هرچقدر هم که نیکو، هر وسیله ای را مجاز نمی کند. وسایل تا آنجا موّجه اند که کرامت و حقوق اساسی انسانها را نقض نمی کنند. احترام و رعایت حقوق بشر کف اخلاق و قیدی بر مصلحت اندیشی است. مصلحت گرایی لگام گسیخته برآمده از نظریه ولایت مطلقه فقیه، انسان گوشت و خوندار را قربانی مصلحتهای آرمانی، کشدار، و مبهم می کند، و نهایتاً بی اخلاقی را با ظاهری فریبنده و مقدس مآبانه گسترش می دهد. جنبش سبز را می توان اعتراض فرهیخته جامعه ایرانی به این بی اخلاقی مقدس مآبانه دانست. این اعتراض ماهیتاً اخلاقی نشان می دهد که جامعه ایرانی علی رغم بی اخلاقی عمیقی که سالها زیر پوست سیاست خزیده است، همچنان زنده، حساس، و سبز است.

* متن حاضر صورت تحریر شده سخنرانی ای است که در کنفرانس "ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری" در تاریخ اوّل جولای سال ۲۰۰۹ (دهم تیرماه سال ۱۳۸۸) در دانشگاه UCLA ایراد گردید.

فیلتر شکن های جدید

http:///com.http://unblockwebproxysites
/webproxyweb.cn
/http://skwlstuff.co.cc
/http://mylittlefriend.co.cc
/http://timetoenjoy.co.cc
/http://securetoweb.co.cc
/http://securebypass.co.cc
/http://dotcoper.co.cc
/http://trialbase.co.cc
/http://bestcloaks.info
/http://www.uhere.info

فیلترشکن برای جستجو در گوگل

http://go.shakhes-system.com
/http://www.skipblocks.info
/http://facebookip.info
/http://yaky.info
/http://www.shanghaigrows.com
/info.http://free-anonymous-proxy
/cc.http://entertainment-time.co
/http://bestonlinetime.co.cc
/http://waitandbleed.info
/http://knev.co.cc
/http://ipus.info
/http://jtunnel.co.cc
/http://www.vimuto.co.cc
/http://myipchanger.co.cc
/co.cc..http://videomoney
/http://weunblock.co.cc
/http://www.webswift.info
/http://www.tunnelsafe.info
/http://www.tunnelfree.info
/http://www.securesafe.info
/http://proxpeeps.co.cc
/http://webstealth.co.cc
/http://securemysurf.co.cc
/http://howtogetaround.info
http://yourp.totalh.com/pro

سه سروده از ناهید سرشگی

شطرنج

پله
پله باختم
به جای ساختن
خانه‌های شطرنج را
در انتهای پیچیدگی
شاه ساده سخن می‌گفت
و ملکه بی آن‌که بداند
وزیر عریانی فصل‌های تو بود

سربازها اجازه می‌خواستند برای شکفتن
در جنگ
اسب‌ها با بادهای گزنده باز آمدند
برف/ قلعه ی نگاه تو بود
به قلعه نرفتم
مات رؤیاهای خود شدم
کمی از کیش برگرد
می‌گویند آن‌جا گرم است
برف نمی‌آید
جزایر پنهان
چیزی از ایران را با خود به قلب تو
می‌برند

امروز بمب‌ها
مثل اشک‌های من
روی تهران می‌بارند
زمستان از رو نمی‌رود
دانه‌ای برای گنجشک‌ها بپاش
پشت پنجره
جز حدقه خالی سربازان
آشیانه‌ای برای آن‌ها نیست
امسال عام‌الفیل خواب‌های تو است
از خانه‌ی سیاه به سفید بیا
ملکه نردبان را گذاشته همین جا
پشت همین دیوار
و روی شانه‌هایش

زمان را پایین می‌آورد
کاسپاروف
نظرت در باره این بازی چیست؟

کمدی الهی

این میان پرده
کمدی الهی نیست
دست به تفسیر نزن!
بی‌گزارش
در اجتماعی تک‌نفره
پرده‌ها را
کنار بکش!
- پرده‌های سرخ
آب رفته‌اند گوشه‌ی سن -
نور، کفن سرد این بازی‌ست
کف می‌زنند
انبوه صندلی‌ها
بلیط‌ها/ پاره
رؤیاها/ وصله شده
ببین آن جا!
خدا خودش را پنهان می‌کند
آخر نمایش

مرداد

هیچ وقت در دسترس نبوده
بوده؟
جواب می دهد: شما
با کوفی‌عنان
تماس گرفته‌اید
لطفاً پیام بگذارید!
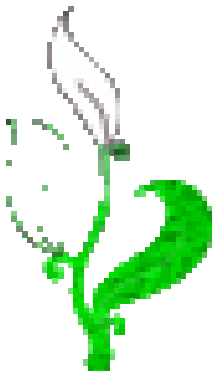
پیام بگذارم؟
همین ساعت همین دقیقه
همین چنددقیقه بیشتر از نیمه‌شب
من بشر برای گرفتن حقوقم
پیام می‌گذارم؛ جیغ‌جیغ!
جیغ‌هایم کم‌کم خاموش می‌شوند
مثل همین چراغ‌ها که در خانه‌ها!
شب است
مرداد پیچیده خودش را لای پتویی
که جرقه‌های زغال
رویش انگشت می‌گذارند و
با بوی تریاك می‌پیچند توی کوچه ی روبرو
گرم است یونیفرم و کلاه سربی،
که بشر روی سرش گذاشته
تا نرود سرش کلاه
که می‌گویند این روزها: کلاه صلح
کبوتربزرگ می‌کنم درکبوترخانه‌ی رؤیاهایم
داد می‌زنم
: خدا!!
استغفرالله
همه ناخدا شده‌اند و کشتی نوح را
روی اشك‌های ما می‌رانند
کبوتر بفرست
کبوتر بفرست!
تانك‌ها
تا میدان شهر
تا بالای طناب دار پیشروی کرده‌اند
تا گردن من و حنجره‌ی زیبا!
یك کوچه پیداکن که لب‌هایش آویزان نباشد
چیزی نمانده به صبح
خدا!
کسی جوابم را نداد
می‌گویم: خدانگهدار!
شاید کسی از سر اتفاق
دست‌هایش تکان بخورد